



برداشت اول

تهماسب صلح‌جو

مقدمه

مروری بر نخستین تجربه‌های صنعت فیلم‌سازی، هنر سینما و رسانه‌ی تلویزیون در ایران آورده‌اند که نخستین بار، یکشنبه هفدهم تیرماه سال ۱۲۷۹ شمسی، پنج سال پس از رواج اختراع برادران لومیر، مظفرالدین‌شاه قاجار در اولین سفرش به فرانسه، همراه میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی، دستگاه «سینموفتوگراف» را کشف و فرمان تهیه‌ی یک دوربین فیلم‌برداری و دیگر ابزار و آلاتش را صادر کرد...

میرزا ابراهیم خان، نخستین فیلم‌بردار ایرانی، یک ماه بعد، روز سه‌شنبه بیست‌وسوم مردادماه با دوربین مارک گومون از شاه قاجار در مراسم جشن گل‌ها که در شهر اوستاند بلژیک برگزار می‌شد، تصاویری به ثبت رساند. این فیلم که نخستین اثر مستند سینمای ایران قلمداد می‌شود، از همان اولین روزهای بازگشت مظفرالدین‌شاه به ایوان، در دربار به نمایش درآمد و مورد توجه و حیرت و تحسین اهل حرم و بزرگان و اشراف قرار گرفت. میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی، بعدها تصاویری از دسته‌های قمه‌زنی، قصر دوشان‌تپه، گاره ماشین، بازار، تکیه‌ی دولت و شاه

عبدالعظیم فیلم برداری کرد و ... بدین ترتیب سینما در ایران پا گرفت و در مسیر زمان، گام به گام از سنگلاخ تجربه‌ها گذشت تا... به امروز رسید که فاتحانه در قلمرو هنر خودنمایی می‌کند و دستاورد جوان‌ترین چهره‌هایش بر فراز قله‌ی افتخار می‌درخشد.

● نخستین کسی که برای نمایش عمومی فیلم اقدام کرده، میرزا ابراهیم خان صحاف‌باشی بود که در سال ۱۲۸۴ ش. یعنی پنج سال پس از ورود سینما به دربار قاجار، در حوالی لاله‌زار یک سالن نمایش به راه انداخت و برای طبقه‌ی اعیان فیلم نشان داد او در سال ۱۳۲۲ ق. در ابتدای خیابان چراغ‌گاز نیز، سالنی باز کرد که نخستین سینمای عمومی به حساب می‌آید و یک ماه دوام آورد و سرانجام به دلیل تکفیر روحانیان و مخالفت دربار، تعطیل شد.

● نخستین بازیگر ایرانی که به سینمای هالیوود راه پیدا کرد، حسین رضائی، معروف به پاشاخان، بود. او در سال ۱۲۹۲ ش. در رشت به دنیا آمد و هنگامی که هنوز نخستین فیلم ایرانی ساخته نشده بود، به فرانسه رفت تا هنرپیشه شود. در پاریس مدتی به ارکستر امین‌اله حسین پیوست و نوازندگی کرد و خیلی زود این نوازنده‌ی هفده ساله‌ی شیفته‌ی سینما، کارش به ارکسترهای دیگر و محافل هنری کشید تا این‌که راه هالیوود برایش باز شد. او با فیلم *ماریا والوسکا کلارنس براون*، ۱۹۳۷ در کنار شارل بویه و گرگاریو، ایفای نقش پاشاخان - سفیر ایران در دربار ناپلئون - را به عهده گرفت. این فیلم در تهران با نام *مادام والوسکا* به نمایش درآمد و همه‌ی صحنه‌های ایرانی‌اش حذف شد. به هر حال پای پاشاخان به سینمای هالیوود باز شده بود و او توانست وارد اتحادیه‌ی هنرپیشگان شود و از آن پس نقش‌های متفاوت بازی کرد. از جمله *سوئز* (در ایران: *توعه‌ی سوئز*، آگن دوان، ۱۹۳۸)، *علی‌بابا و چهل دزد* (در ایران: *دزد بغداد*، آرتور لوبین، ۱۹۴۴)، *قالیچه‌ی جادو* (لیولندرز، ۱۹۵۱) و...

● نخستین نمایش فیلم ویژه‌ی بانوان را خان باباخان معتمدی ترتیب داد. او هفته‌ای یکی دو بار مجلس نمایش برگزار می‌کرد و این کار با استقبال خانم‌ها روبه‌رو شد.

خان‌بابا در فروردین ۱۳۰۷ ش. با پیشنهاد کلنل علی‌نقی‌خان وزیری در زمینه‌ی ایجاد سینمایی خاص بانوان اقدام کرد. سالن مذکور «سینما صنعتی» نام داشت و در خیابان لاله‌زار، پشت سینما رکس (لاله‌ی فعلی) واقع بود و روز یکشنبه دوم اردیبهشت با فیلم

- سریال *عقاب سیاه* افتتاح شد. بهای بلیت آن دو، سه و پنج قران بود و هر شب بین هفتاد تا صد تومان فروش داشت. سینما صنعتی در نهم مهرماه سال ۱۳۰۷ ش. دچار حریق شد و در زمان واقعه فیلم *دزد بغداد* ساخته‌ی راثول والش را نمایش می‌داد. بدین ترتیب سینمای ویژه بانوان شش ماه دوام آورد.

● نخستین گوینده‌ی سالن سینما (کسی که ترجمه‌ی میان‌نویس‌ها را برای تماشاگران به صدای بلند می‌خواند) اسحاق زنجانی بود. او که مدیریت سینما سه و هم‌چنین مدیریت و سردبیری مجله‌ی *سینما و نمایشات* را به عهده داشت و به عیسی‌خان نیز موسوم بود، با صدای خوش، علاوه بر ترجمه‌ی گفتار فیلم، برنامه‌ی آینده‌ی سینما را نیز اعلام می‌کرد. همکار زنجانی در سالن بانوان خانم انیس الملوک امیرخانی بود که با رواج سالن‌های مختلط کارش خاتمه پیدا کرد.

● نخستین سینمای مختلط (زنانه و مردانه) به نام *پری* در سال ۱۳۰۷ ش. به همت خان بابا خان معتمدی تأسیس شد و محل آن در میدان مخیرالدوله، کوچه‌ی نوشین بود. این رویه بعدها رواج عام یافت و سینماهای دیگر نیز کم‌کم به حضور بانوان در سالن‌ها روی خوش نشان دادند.

● نخستین نشریه‌ی سینمایی به نام *مجله‌ی سینما و نمایشات*، در مردادماه سال ۱۳۰۹ ش. منتشر شد که بیش از یک شماره دوام نیاورد. مؤسس و صاحب امتیاز آن، علی وکیلی و مدیر و سردبیرش اسحاق زنجانی بودند. در مقدمه‌ی این مجله، علی وکیلی مقصود خود را از انتشار مجله‌ای سینمایی چنین شرح می‌دهد:

می‌توان گفت که امروزه صنعت سینما در ایران نیز صورت نوینی به خود گرفته و با مساعدت‌های معنوی و فکری که از طرف دولت علیه و متصدیان امور می‌شود، امید آن می‌رود که قدم‌های جدی‌تری در جاده‌ی این عامل مهم حیات اجتماعی و این اساس مذهب اخلاق جامعه برداشته شود.

و اما چون یگانه سرمایه‌ی پیشرفت در هنر فن و شغلی، معرفت کامل به آن فن و اطلاعات لازمه در آن شغل است، لذا ما نیز مقصد و مرام خود و مجله را این موضوع قرار دادیم که به قدر مقدور و در حدود مطالعات و تجربیات خود بتوانیم

علاقه‌مندان سینما را از جریانات روزانه‌ی این صنعت در عالم و وسایل ترقی آن و اختراعات جدید مسبق داریم. و هم‌چنین یگانه سرمایه‌ی ایجاد این مجله و وسیله‌ی موفقیت و پیشرفت خود را، همانا تشویق و ترغیب اهالی محترم و علاقه‌مندان گرمی دانسته با اتکا به مراحم آنان، قدم نخستین را برداشته و اینک شماره‌ی اول را تقدیم می‌داریم...

● نخستین آموزشگاه سینمایی، با عنوان «مدرسه‌ی آرتیستی سینما» بیستم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۹ ش. در خیابان علاءالدوله تأسیس شد. پایه‌گذار این آموزشگاه آوانس اوگانیانس بود که چگونگی اقداماتش را با درج مقاله‌ای در روزنامه‌ی ستاره‌ی جهان (پنجم تیرماه ۱۳۰۹ ش.) چنین شرح داده است:

پرورشگاه آرتیستی سینما در ۱۵ آوریل افتتاح و در اول ماه مه نظر به توسعه از علاءالدوله به خیابان شیخ‌هادی انتقال یافته است و فعلاً از بین تقریباً ۱۵۰ نفر داوطلب ۱۸ نفر شاگرد قابل استفاده، رسماً و ۳ نفر به‌طور خصوصی مشغول فرا گرفتن تحصیلات هستند...

چند ماه بعد اوگانیانس به عنوان مدیریت مدرسه طی مقاله‌ای در روزنامه‌ی اطلاعات (دوازدهم آبان‌ماه ۱۳۰۹) از نمایندگان مجلس و مدیران جراید دعوت کرد تا برای مشاهده‌ی عملیات شاگردهای مدرسه در جلسه‌ی امتحان حضور یابند.

پس از برگزاری جلسه‌ی امتحان، دوازده فارغ‌التحصیل دوره‌ی اول پرورشگاه آرتیستی سینما معرفی شدند.

محمد ضرابی که از نخستین بازیگران سینمای ایران و از شاگردان اوگانیانس بود، درباره‌ی هزینه‌ی تحصیل در مدرسه‌ی سینمایی گفته است:

اوگانیانس شهریه‌ای بابت این کلاس‌ها نمی‌گرفت بلکه به او کمک می‌کردند... بعضی اوقات شاگردی می‌گفت آقای اوگانیانس می‌خواهم این پنج تومان را تقدیم کنم - پنج تومان آن موقع پول زیادی بود - تقدیم می‌کرد. اوگانیانس هم می‌گرفت.

● نخستین اقدام برای سانسور فیلم‌ها، با تنظیم لایحه‌ی نمایش و سینما، از جانب انجمن بلا‌یه‌ی تهران صورت گرفت و توسط وزارت داخله به هیأت دولت ارایه شد و در دهه‌ی اول مهرماه سال ۱۳۰۹ ش. به تصویب رسید. در این لایحه، مقررات مربوط به

سینماها، شش ماده داشت و مواد سوم و چهارم آن در خصوص کنترل فیلم‌ها پیش از نمایش عمومی بود:

ماده‌ی سوم: مدیر سینما ملزم است که پیش از نمایش هر فیلم، تقاضای جواز نماید و موظف است که فیلم تقاضا شده را قبلاً در سالن غیرعمومی به نماینده‌ی معارف بلدیة ارایه دهد تا در صورت لزوم از نقطه‌نظر اخلاق جرح و تعدیل لازم را به عمل آورند.

ماده‌ی چهارم: هر قسمت از فیلم را که بلدیة منافی با اخلاق و عفاف بداند قطع نموده، با حضور مدیر سینما در قوطی گزارده لاک و مهر کرده و در مقابل رسید کتبی تحویل و تسلیم مشارالیه خواهد داشت.

● نخستین محصول حرفه‌ای سینمای ایران. ایمی ورابی (آوانس اوگانیانس، ۱۳۰۹) است که به شیوه‌ی صامت، ماجراهای خنده‌آوری را به نمایش می‌گذاشت. در این فیلم محمد ضرابی و غلامعلی سهرابی، به تقلید از دو کم‌دین دانمارکی به نام‌های پات و پاتاشون، بازی می‌کردند. نام فیلم از هجاهای آخر نام بازیگرانش گرفته شده بود.

تنها نسخه‌ی ایمی ورابی، در سال ۱۳۱۱ ش. در آتش‌سوزی سینما مایاک نابود شد و این نخستین دستاورد سینمای ایران، در نخستین حادثه‌ی ناگوار سینما از میان رفت.

● نخستین بازیگر زن سینمای ایران آسیا قسطنیانیان (کوستانیان) است که در فیلم حاجی آقا آک‌تور سینما (آوانس اوگانیانس، ۱۳۱۲) به نقش پروین ظاهر شد.

قسطنیانیان که از آرامنه‌ی گرجستان بود، در تفلیس به دنیا آمد، پدرش میکائیل (میشا)، مادرش مارکارید مامیگیویان، برادرش والودیا و خواهرش آنا، همه اهل تئاتر بودند. خانواده‌ی قسطنیانیان در سال ۱۲۹۹ ش. بر صحنه‌ی تئاتر ایران ظاهر شدند و به نقش‌آفرینی پرداختند: حرفه‌ی اصلی آنان بازیگری تئاتر بود. آسیا که از پانزده سالگی به هنر تئاتر روی آورد، به همراه خانواده‌اش نمایش‌های مختلفی در تهران، اصفهان، رشت، بندر انزلی و شهرهای مهم قفقاز، هم‌چنین مسکو، پتروگراد، پاریس، مارسه، لندن، منچستر و سایر شهرهای اروپا اجرا کردند. قسطنیانیان‌ها در سال ۱۳۰۵ ش. از اروپا عازم خاورمیانه شدند و در سوریه، لبنان، فلسطین، مصر، نمایش‌های متعددی روی صحنه بردند. هنگام

اقامت آنان در کشورهای خاورمیانه، آسیا قسطنطینیان در چند فیلم بازی کرد. از جمله در قاهره در فیلمی به نام عشق به بغداد نقش پرنس نازلی را بر عهده گرفت. قسطنطینیان‌ها به سال ۱۳۱۰ ش. بار دیگر به ایران بازگشتند و فعالیت‌های هنری خود را ادامه دادند.



● نخستین بدل‌کاری سینمای ایران، میراحمد صفوی (مستخص فن آکروبات) بوده که در صحنه‌ای از فیلم **حاجی آقا اکتور سینما**، از بالای عمارت کافه پارس، واقع در چهار راه لاله‌زار استانبول بر روی یک کامیون می‌پرد.

گفتنی است که این فیلم نخستین تجربه «فیلم در فیلم» نیز به حساب می‌آید و داستانش درباره‌ی «ردان سینماست» که به دنبال موضوعی برای تهیه فیلم می‌گردد و به توصیه‌ی یکی از شاگردان مؤسسه‌اش به سراغ حاجی آقا می‌رود که دشمن سینما و نمایش است. طی ماجراهایی از او فیلم می‌گیرند و نشانش می‌دهند و در پایان حاجی آقا به ارزش سینما پی می‌برد.

حاجی آقا اکتور سینما، هم‌چنین نخستین نمونه‌ای است که در عنوان‌بندی‌اش به عکاس فیلم (عکاس: رامبراند) اشاره‌ای دارد.

● نخستین فیلم ناطق سینمای ایران، **دختلور** (عبدالحسین سپنتا - اردشیر ایرانی، ۱۳۱۳) است که پنج سال پس از ناطق شدن سینما در جهان، ساخته شد. این فیلم که در هند به مرحله‌ی تولید رسید، نخستین اثر موزیکال فارسی به شمار می‌رود و در آگهی تبلیغاتی‌اش اصطلاح فیلم فارسی را آورده است که این اصطلاح از این پس به فرهنگ سینمای ایران راه می‌یابد. در اعلان **دختلور**، چنین آمده است:

بشارت به ایران پرستان - فیلم ناطق و موزیکال - **دختلور** یا ایران دیروز و ایران امروز. اولین فیلم ناطق و موزیکال فارسی که در کمپانی فیلم‌برداری فارسی در امپریال فیلم کمپانی بمبئی در تحت ریاست و رژیست خان بهادر اردشیر ایرانی و به اشتراک آرتیست‌های ایرانی تهیه شده است، در تهران به‌زودی خواهد رسید. در این فیلم اوضاع ایران سابق و ترقیات سریع ایران را در تحت سلطنت شاهنشاه دادگر و توانا (اعلی‌حضرت پهلوی) مشاهده و مقایسه خواهید نمود.

دفتر کمپانی فیلم‌برداری فارسی در امپریال فیلم کمپانی بمبئی

● نخستین فیلم تاریخی سینمای ایران، **فردوسی** (عبدالحسین سپنتا - اردشیر ایرانی، ۱۳۱۳) است که ضمن مرور زندگی حماسه‌سرای بزرگ ایرانی، به گوشه‌هایی از تاریخ هم اشاره دارد. این فیلم را می‌توان نخستین قربانی سانسور هم به حساب آورد. می‌گویند: وقتی رضاشاه فیلم را دید به بخش‌هایی که درباره‌ی سلطان محمود غزنوی بود ایراد گرفت و دستور حذف برخی صحنه‌ها را تغییر و

در سال ۱۳۱۲ ش. که آوانس اوگانیانس می‌خواست فیلم **حاجی آقا اکتور سینما** را بسازد، با توجه به تجربه‌ی بازیگری آسیا قسطنطینیان، ایفای نقش پروین را به او وا گذاشت.

در کتاب *le tout-cinema* سالنامه‌ی ۱۹۴۲ چاپ پاریس در صفحه ۱۶۷ از آسیا قسطنطینیان عکسی چاپ شده و از او با عنوان، بازیگر ایرانی، فارغ‌التحصیل مؤسسه‌ی سینماتوگرافی، دیپلمه از پاریس، بازیگر فیلم **حاجی آقا اکتور سینما** و ایفاگر نقش پرنس نازلی در فیلم **عشق به بغداد** و بازیگر بسیاری فیلم‌های دیگر یاد شده است.

تکرار چندصحنه دیگر را صادر کرد. بدین ترتیب سازندگان فیلم مجبور شدند بازیگر نقش سلطان محمود را عوض کنند و نصرت‌اله محتشم را به جای بازیگر قبلی قرار دهند و نیمی از فیلم را دوباره بسازند که پیامد خوشایندی به بار آورد.

● نخستین اقتباس از متون کهن ادبیات فارسی، فیلم **شیرین و فرهاد** (عبدالحسین سپنتا، ۱۳۱۴) است. این فیلم که مانند دختر لرو **فردوسی**، در هند تهیه و تولید شده بود، در ایران با نام **خسرو و شیرین** به نمایش درآمد. در حالی که سازنده‌اش بر این تغییر نام معترض بود او گفته است:

برای این نام فیلم را **خسرو و شیرین** نگذاشتم، چون محور داستان من فرهاد است و فرهاد نمونه‌ی ارزش و قدرت عشق است در برابر زر و زیور و مقام...

● نخستین موسیقی متن فیلم را در سال ۱۳۱۶ علی‌نقی خان وزیری برای فیلم **لیلی و مجنون** نوشت (یا از میان ساخته‌هایش انتخاب شد).

● نخستین فیلم خارجی دوبله فارسی، **دختر فراری** (نام اصلی: Premier Rendez Vous نخستین وعده دیدار] هانری دکوتن، ۱۹۴۴) محصول فرانسه است. این فیلم را دکتر اسماعیل کوشان در استانبول خرید و همان‌جا در استودیو سش فیلم استانبول با کمک ابوالقاسم تفضلی و چند دانشجوی ایرانی علاقه‌مند به سینما دوبله کرد و پنجم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۲۵ ش. در سینمای تازه تأسیس کریستال به نمایش گذاشت.

گویندگان مرد فیلم عبارت بودند از: پرویز صفی‌نیا، ابوالقاسم تفضلی، ایرج معزی، فریدون سکاری، زمان زمانی، فرخ وحید، ابراهیم کوشان و ... تنها زن گوینده‌ی فیلم خانم نوریه قوانلو بود که به جای دانیل داریو (ستاره‌ی مشهور فرانسوی) صحبت کرد، دیگر زنان گوینده، بیشتر ازاهالی ترکیه و یونان بودند.

درباره‌ی ارزش‌های این نخستین تجربه‌ی دوبله به فارسی، فرخ غفاری با امضای «م - مبارک» ضمن بررسی صنعت سینمای ایران در نشریه‌ی **ستاره‌ی صلح** (شماره‌ی یکم، مهرماه ۱۳۲۹) چنین نوشته است:

فیلم **دختر فراری** نخستین فیلمی است که در ایران با صدای مبدل نشان داده شد و گویندگان آن توانسته‌اند به خوبی وظیفه‌ی خویش را انجام داده و در تطبیق صدا با حرکات

بازیگران و گسجانبیدن اصطلاحات زبان فارسی دقت کامل به خرج داده و حقیقتاً این فیلم را خوب از کار درآورده‌اند. ولی ناگفته نباید گذاشت که این نوع تبدیل با موازین و قوانین فیلم‌برداری وفق نمی‌دهد. زیرا عمل تبدیل صدای فیلم **دختر فراری** در کارخانه‌ی اصلی آن‌که همین فیلم را تهیه کرده است، صورت نگرفته و مؤسسه‌ی «میترا فیلم» یک نسخه‌ای از فیلم را که در استانبول موجود بوده در استودیوهای فیلم‌برداری ترکیه مبدل به‌نگاتیف کرده، با صدای مبدل مجدداً روی پرتیو چاپ کرده...

● نخستین استودیوی دوبله در داخل کشور، «ایران نوفیلم» است که در سال ۱۳۲۵ ش. تأسیس شد و پس از چند تجربه‌ی ناکام، سرانجام در سال ۱۳۲۷ ش. فیلم فرانسوی **موا بیخش** (نام اصلی: **یوف روی پاها** هانری بوردو (۱۹۴۰) را دوبله کرد و به نمایش گذاشت که با استقبال خوبی روبه‌رو شد.

عوامل اصلی دوبله‌ی فیلم **عطاءاله زاهد**، هوشنگ کاوه، اسداله پیمان، مهدی عقیلی، مهین دهبیم، مهری دادایان، ایرج دوستدار، امیرحسین دهلوی، دکتر میرسپاسی، فاضل سرجویی و منصور مبینی بودند.

استودیو ایران نوفیلم، مدتی بعد با تغییر و انشعاب برخی دست‌اندرکارانش روبه‌رو شد. انشعاب‌کنندگان، با دوبله‌ی فیلم **آهنگ شهروزاد** (والتر رایش، ۱۹۴۷) کار خود را ادامه دادند که این، نخستین فیلم رنگی دوبله به فارسی و نخستین تجربه در شیوه‌ی **مگنتینگ** (ضبط مغناطیسی) به شمار می‌رود.

گویندگان اصلی **آهنگ شهروزاد**، بازیگران روز تئاتر، از جمله ایران عاصمی، موریسن، علی محزون، رضا مینا و صادق شباویز بودند. **آهنگ شهروزاد** در خردادماه سال ۱۳۳۰ ش. به نمایش درآمد که چندان مورد استقبال قرار نگرفت.

● نخستین کتاب سینمایی ترجمه شده به فارسی، **تاریخ سینما** نوشته‌ی ژبو سب لودوکا، ترجمه‌ی حسن صفاری و علی‌اکبر علمی است که در سال ۱۳۲۷ منتشر شد.

● نخستین فیلم ناطق فارسی که در داخل کشور تولید شد، **توفان زندگی** (میرمحمدعلی دریا بیگی، ۱۳۲۷) است. این فیلم بر اساس داستان **فیروز و فرزانه** نوشته‌ی نظامی فاطمی ساخته شد و سرفصل

تازه‌ای در تاریخ سینمای ایران گشود. **توفان زندگی** را دکتر اسماعیل کوشان در استودیو میترا فیلم تهیه و تولید کرد. او درباره‌ی چگونگی کارش گفته است:

وقتی همه چیز آماده شد، مقدمات تهیه و ساخت اولین فیلم ایرانی را فراهم ساختم. در ابتدا استودیو فیلم برداری میترا فیلم را دایر نمودم و بعد با همکاری علی دریاییگی به عنوان کارگردان، نظام وفا سناریست، **توفان زندگی** اولین فیلم ایرانی را آماده‌ی فیلم برداری نمودیم. آگهی دادیم، حدود ۵۰ نفر آمدند که در میان آن‌ها فرهاد معتمدی، اوینا اوشید، زینت مؤدب، ناصر طائفی، شوکت علو (ژاله محترم)، پولا، هدی و چند موزیسین صاحب نام را انتخاب کردیم. مرحوم خالقی آهنگساز معروف برای **توفان زندگی** آهنگی ساخت و بنام محبوب ترین خواننده‌ی ایرانی در فیلم آواز خواند. حسین تهرانی و محبوبی، دو چیره دست و معجزه گر موزیک نیز ما را همراهی نمودند. البته صدا را سر صحنه ضبط می کردیم و بدین جهت کار واقعاً مشکل و طاقت فرسا بود. فیلم صد دقیقه و سیاه و سفید بود البته تکنیک بسیار ضعیفی داشت، با این وجود هفته‌ی اول با فروش خوبی روبه رو شد و سینما رکس چنان جمعیتی به خود دید که لاله زار بند آمد... فیلم برداری حدود دو ماه طول کشید چون در اواسط فیلم، ماشین صدا خراب شد و من مجبور شدم برای آوردن متخصص به مصر بروم! حداکثر دستمزدها در این فیلم برای هنرپیشگان دوهزار تومان بود، برای کارگردان یعنی دریاییگی پنج هزار تومان در نظر گرفتیم و به نظام وفا هزار تومان به عنوان سناریست تعلق گرفت که به ما بخشید تا صرف بهتر نمودن کارمان کنیم. مقداری از فیلم برداری **توفان زندگی** را یک فیلم بردار جنگی آلمان‌ها که سر راه بعد از آزادی از شوروی به تهران آمده بود انجام داد و مقداری را هم خودم عهده دار گردیدم...

● نخستین فیلمی که بر اساس یک نمایش صحنه‌ای ساخته شد، فیلم **واریته‌ی بهاری** (پرویز خطیبی، ۱۳۲۸) است که در اصل آپرتی در سه پرده، شامل مجموعه نمایش‌های کوتاه کمیکی برد و با توصیه‌ی دکتر اسماعیل کوشان (تهیه کننده) برای فیلم شدن تغییرات و اضافاتی در آن به وجود آمد و در قالب شش ماجرای کمندی موزیکال، شکل گرفت. بیشتر بازیگران فیلم کسانی بودند که در اجرای تئاتری **واریته‌ی بهاری** نیز شرکت داشتند و در سینما هم

نقش تئاتری خود را تکرار می کردند. از جمله عزت اله انتظامی که در نقش کوتاه جفاله فروش، برای نخستین بار جلوی دوربین فیلم برداری ظاهر شد. او در این باره گفته است:

پرویز خطیبی، سازنده‌ی این فیلم، در آن زمان شعر پیش پرده‌ها را برای ما می نوشت، یک روز مرا به باغ بزرگی دعوت کرد که در آن جا فیلم برداری داشتند و نقش کوچکی هم به من دادند...

● نخستین محفل سینمایی در سال ۱۳۲۸ ش. با عنوان «کانون ملی فیلم» به همت فرخ غفاری تأسیس شد. همراهان و همکاران غفاری در این کار، مجید رهنما، دکتر عبداله حبیبی، بهرام نوری و اسفندیاری بودند و جلسات نمایش فیلم در محل های متفاوتی از جمله موزه‌ی ایران باستان، تالار فرهنگ و مدرسه‌ی هنرپیشگی، برگزار می شد.

کانون ملی فیلم، نزدیک به دو سال فعالیت داشت و علاوه بر اجرای جلسات نمایش، جشنواره‌ای از فیلم های انگلیسی و فرانسوی نیز ترتیب داد که در واقع نخستین کوشش‌ها برای رواج جشنواره به حساب می آید.

این کانون سرانجام در سال ۱۳۳۰ ش. با سفر فرخ غفاری به اروپا از ادامه‌ی فعالیت بازماند.

● نخستین فیلمی که از جاذبه‌ی شهرت یک خواننده بهره برد، **شومسار** (دکتر اسماعیل کوشان، ۱۳۲۹) است. در این فیلم بانودلکش (عصمت باقرپور) که حدود پنج سال از آغاز فعالیتش در رادیو می گذشت در نقش اصلی ظاهر شد و به عنوان یکی از عوامل موفقیت تجاری فیلم، الگوی تازه‌ای به سینمای ایران عرضه کرد.

داستان **شومسار** درباره‌ی دختری روستایی است که فریب جوان شهری را می خورد و کارش به خوانندگی در کافه های پست شهر می کشد... و سرانجام خواننده‌ی شهیر رادیو تهران می شود. این موضوع مورد اعتراض وزارت پست و تلگراف و اداره‌ی تبلیغات (سازمان‌هایی که رادیو به آن وابسته بود) قرار گرفت و از آن پس به کسی اجازه‌ی فیلم برداری از ایستگاه رادیو ندادند.

شومسار، نخستین فیلم تاریخ سینمای ایران است که برای شرکت در یک جشنواره بین المللی (نخستین دوره‌ی جشنواره‌ی بمبئی - جشنواره‌ی ملل آسیایی) ارسال شد.

● نخستین دستاورد دوبله به فارسی در ایتالیا، فیلمی به نام *سرگذشت فریدون بینوا* (با نام اصلی *Le Meravigliose Avventure di Gueri Meschino* و به معنای ماجراهای شگفت‌انگیز گوتری مسکینو) است که از دوازدهم مهرماه سال ۱۳۳۱ ش.



مادر نخستین اقتباس از یک رخداد واقعی

در سالن زمستانی سینمادایانا روی پرده رفت و چنان با استقبال تماشاگران روبه‌رو شد که از هفته‌ی دوم، سینما پارک هم به نمایش آن اقدام کرد.

این فیلم هرچند مورد تأیید صاحب‌نظران مطبوعات قرار نگرفت، اما از کوشش و همت دست‌اندرکاران دوبله‌ی آن، پشتیبانی و قدردانی به عمل آمد. نشریه‌ی جهان سینما در شماره‌ی دوم (۶/۲۳) نوشت:

کلیه‌ی کارهای مربوط به دوبلاژ این فیلم را دانشجویان ایرانی،

● نخستین اقتباس ادبی از آثار معاصر، در سینمای ایران فیلم *پرچم* (فضل‌اله پایگان، ۱۳۳۰) است که بر اساس رمانی به همین نام، نوشته‌ی محمد حجازی (مطیع الدوله) ساخته شد و در نمایش عمومی چندان موفقیتی به دست نیاورد و اولین و آخرین تجربه‌ی فیلم‌سازی سازنده‌اش بود.

● نخستین فیلمی که داستانش با الهام از یک رخداد واقعی ساخته شد، فیلم *مادر* (دکتر اسماعیل کوشان، ۱۳۳۱) است. علی‌کسمایی نویسنده‌ی فیلم‌نامه‌ی *مادر*، درباره‌ی دستمایه‌ی واقعی داستان فیلم گفته است:

موضوع داستان فیلم را از یک خبر کوتاه از یک روزنامه‌ی عصر به دست آوردم. در خبر آمده بود که دختری از روستاهای انزلی، برای رهایی از ستم و شکنجه‌ای که اربابش در حق او روا می‌داشت، دست به فرار زده و به‌وسیله‌ی یک راننده‌ی کامیون که راضی شده او را به تهران ببرد، فریب می‌خورد... ادامه‌ی خبر حاکی از آوارگی و پریشانی دخترک و استمداد برای سر و سامان دادن به او بود که کسی یا آشنایی نداشت. این، ایده‌ی اصلی و در واقع شروع فیلم *مادر* شد که به مناسبت حضور دلکش، جرح و تعدیل‌هایی در آن به عمل آورده و نقشی نیز برای قمرالملوک وزیری در داستان پیش‌بینی کردم. او در واقع نقش خودش را در فیلم بازی کرد...

● نخستین فیلم پرفروش رکوردشکن سینمای ایران، ولغود (مهدی رییس فیروز، ۱۳۳۱) است که با فروشی معادل چهارمیلیون ریال در مدت دوازده روز نمایش در دو سینما (هما و دیانا) سال‌ها در صدر جدول فیلم‌های پرفروش باقی ماند. این فیلم علاوه بر موفقیت تجاری‌اش مورد تأیید و تحسین بسیاری از صاحب‌نظران و نویسندگان مطبوعات سینمایی قرار گرفت و برخی، از فیلم به‌عنوان کامل‌ترین فیلم عرضه شده تا آن زمان یاد کردند.

● نخستین فیلمی که با دوربین آریفلکس فیلم‌برداری شد، مستی عشق (دکتر اسماعیل کوشان، ۱۳۳۰) است. کوشان این دوربین را در سفر سال ۱۹۴۸ م. (۱۳۲۹ ش.) به آلمان از کمپانی آریفلکس خریداری کرد. این فیلم هم‌چنین نخستین نمونه‌ای است که نامش را از یک بیت شعر حافظ وام گرفت:

مستی عشق نیست در سر تو رو که تو مست آب انگوری

تحت نظر مسیو آقابابیان و شخص دیگری به نام محمود خسروی انجام داده و توانسته‌اند از این راه تا آن‌جا که از دستشان برمی‌آید به مملکتی که به اندازه‌ی ارزنی قدر آنان را نمی‌داند خدمت بنمایند. آکس [آقابابیان] موقعی که در ایران بود استودیو داریوش فیلم را تأسیس و فقط چندین حلقه فیلم‌های تبلیغاتی تهیه نمود و اکنون نیز فیلم سرگذشت فریدون بینوا را که در اصل به زبان ایتالیایی برداشته شده به نام این استودیو دوبله کرده است. وی از هنرمندان بسیار با ذوق ایرانی است و ما تا آن‌جا که بتوانیم از او و امثال او پشتیبانی خواهیم کرد.

نکته‌ی جالب در دوبله‌ی فیلم، سرگذشت فریدون بینوا، تغییرنام شخصیت‌ها به نام‌های ایرانی مانند فریدون و پوران‌دخت و ... است. دوبله به فارسی در ایتالیا، سال‌ها ادامه پیدا کرد و در این مدت حدود ششصد فیلم به فارسی دوبله شدند.

مرتضی حنانه، کامران شیردل، حسین سرشار، منوچهر نادری، بهمن محمصص، نصرت کریمی و محمدرضا زندی از جمله دست‌اندرکاران دوبله به فارسی در ایتالیا بودند.

● نخستین فیلم ایرانی که داستانش از روی یک فیلم خارجی اقتباس شد، افسونگر (دکتو اسماعیل کوشان، ۱۳۳۲) بود. فیلم‌نامه‌ی افسونگر را سیامک یاسمی از روی یک فیلم ایتالیایی به نام هشتم (گوفردو الساندرینی، ۱۹۴۶) نوشت.

● نخستین فیلم رنگی سینمای ایران گوداب (حسن خردمند، ۱۳۳۲) است که به طریقه‌ی ۱۶ میلی‌متری با دوربین اوریکون و به دست عنایت اله‌فمین فیلم‌برداری شد و چون لابراتوار رنگی در ایران نبود، آن را برای چاپ به آمریکا (به روایتی دیگر ایتالیا) فرستادند اما از آن‌جا که رنگ صحنه‌های داخلی بسیار تیره از کار درآمد، فیلم رنگی به نظر نمی‌رسید و باعث نارضایتی تماشاگران شد، به طوری که در این صحنه‌ها، علاقه‌مندان بازیگر نقش اول فیلم - ناصر ملک‌مطیعی - که پس از ولگرد، شهرتی به هم رسانده بود، شعار می‌دادند: «ناصر سیاهش قشنگه!»

به هر حال فیلم در نمایش عمومی شکست خورد و بیش از دو روز روی پرده نماند و باعث شد که فیلم‌سازان از تهیه‌ی فیلم‌های رنگی دست بکشند. هرچند در آن ایام فیلم دیگری به نام گناهکار (مهدی گرامی، ۱۳۳۲) هم ساخته شد که هم‌چنان شکست خورد و بدین

ترتیب مسأله‌ی رنگ در سینمای ایران مدتی به فراموشی سپرده شد.

● نخستین فیلم دوبله به زبان ترکی آذری، مشهدی عبا (صمد صباحی، ۱۳۳۲) است. این فیلم بر اساس اپرایی معروف اثر عزیز حاجی بیکیف ساخته شد که بنا بر روال کار در آن سال‌ها، صدابرداری‌اش سر صحنه بود، اما چون بعضی بازیگران فیلم، فارسی را با لهجه‌ی غلیظ ترکی حرف می‌زدند، ناچار برای نمایش در تهران، فیلم را به فارسی دوبله کردند و برای نمایش به زبان آذری، دوباره روی آن گویش آذری گذاشتند.

البته رژیم گذشته بر اساس سیاست‌های فرهنگی خود، هیچ‌گاه اجازه تکرار چنین تجربه‌ای را نداد و دوبله‌ی فیلم به گویش‌های محلی تا سال‌های پس از انقلاب متوقف ماند.

● نخستین فیلمی که موضوع جنگ و جبهه و میهن‌پرستی را دستمایه قرار داد، میهن‌پرست (غلامحسین نقشینه، ۱۳۳۲) بود. اما از آن‌جا که در این فیلم، صورت مسأله یعنی حمله‌ی بیگانگان به وطن و دفع تجاوز به وسیله‌ی قهرمانان ماجرا مبنایی غیرواقعی داشت با بی‌اعتنایی و سردی تماشاگران روبه‌رو شد. میهن‌پرست اولین فیلمی است که از همکاری و مساعدت ارتش بهره‌مند شد. این نکته در آگهی تبلیغاتی فیلم با آب و تاب بسیار این‌گونه مورد تأکید قرار می‌گیرد:

اولین فیلم جنگی فارسی که با شرکت ده‌هزار نفر از افسران و افراد ارتش و با استفاده از کلیه‌ی وسایل و تجهیزات نظامی تهیه شده است... و به همت سرکار سروان محمد درم بخش معاون تبلیغات ژاندارمری، به‌روی پرده‌ی سینما آمده است و از لحاظ وسایل و بازیکنان در درجه‌ی اول قرار دارد.

● نخستین منتقد ایرانی که با وسوسه‌ی بازیگری در برابر دوربین فیلم‌برداری نقش‌آفرینی کرد، طغرل افشار بود. او در فیلم بی‌پناه (احمد فهمی، ۱۳۳۲) ظاهر شد و از آن‌جا که نخستین تجربه‌ی بازیگری به مذاقش نساخت، در نشریه‌ی سپید سیاه (۱۳۳۲/۷/۱۲) چنین نوشت:

در فیلمی بازی کردم تا قدمی در این منجلاب گذاشته باشم تا آن‌وقت بهتر بتوانم برای شما و برای کسانی که برای درک حقیقت هرچیز کوشش می‌کنند، واقعیاتی را بیان دارم تا شما دیگر به نام تشویق از این محصولات کنونی که صرفاً برای کسب درآمد بیشتر و فریفتن شما ساخته و پرداخته می‌شود،

● نخستین آنونس (نمونه‌ی فیلم) ایرانی را ساموئل خاچیکیان برای فیلمش، *دختری از شیراز* (۱۳۳۳) ساخت و الگویی به‌جا گذاشت که بعدها فیلم‌سازان دیگر هم از آن پیروی کردند. خاچیکیان درباره‌ی این نخستین تجربه‌ی سینمای ایران چنین گفته است:

... در همان زمان، سینماها آنونس فیلم‌های خارجی را نشان می‌دادند، اما تهیه‌کننده‌های ایرانی هر کاری برای تبلیغ می‌کردند، اعم از نوشته‌های سردر سینما، پلاگارد، آفیش و عکس و غیره، اما به مهم‌ترین کار، یعنی ساخت و نمایش آنونس بی‌اعتنا بودند. من قبل از این یک بار به دکتر کوشان گفتم چرا برای فیلمی که نمایش می‌دهید، آنونس نمی‌سازید، او ذهنیتی در این باره نداشت. وقتی من توضیح دادم او گفت که آنونس به‌عنوان تبلیغ، خیلی کوتاه است. من گفتم اتفاقاً همین کوتاه بودن آنونس زیباست و تأثیر می‌گذارد. به هر حال من از راش‌های *دختری از شیراز* آنونس برای فیلم ساختم و از آن موقع به بعد این کار را ادامه دادم و البته کارم را به مرور تکمیل کردم، یعنی موقع فیلم‌برداری، برداشت‌هایی می‌گیرم برای ساختن آنونس، البته این را هم اضافه کنم که آنونس *دختری از شیراز* با نام *عایشه* به نمایش درآمد. اصلاً فیلم به همین نام بود. تا این‌که در وزارت کشور ایراد گرفتند که نام *عایشه* را از روی فیلم و شخصیت زن آن برداریم که این دومی نشد. آنونس برای من حکم نواختن شیپور را دارد. من همیشه از پلان‌هایی استفاده می‌کنم که دیالوگ‌هایش اثری کوبنده داشته باشد و موسیقی متنی که ویژه‌ی آنونس باشد. البته همه‌ی این‌ها نباید داستان فیلم را لو بدهد، باید تماشاچی را به دیدن فیلم دعوت کند.

● نخستین جشنواره‌ی فیلم‌های ایرانی با نام «گلویزان» بیست‌ویکم اسفندماه سال ۱۳۳۳ ش. به کوشش سیامک پورزند برگزار شد. داوران این جشنواره دکتر مهدی نامدار، دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر میمنندی‌نژاد، فریدون رهنما، علی‌اصغر گرمسیری، دکتر هادی شفاپیه، مهندس سیمون، مهندس قبایی و هایک کاراکاش، و برخی فیلم‌های شرکت‌کننده این‌ها بودند: *مشهدی عباد* (صمد صباحی)، *بی‌پناه* (احمد فهمی)، *دختر چوپان* (سمرالدیوان

فکری)، *مهتاب خونین* (موشق سروری)، *بازگشت* (ساموئل خاچیکیان)، *ماجرای زندگی* (نصرت‌اله محتشم)، *میلوتو* (امین امینی)، *آخرین شب* (حسین دانشور)، *دختری از شیراز* (ساموئل خاچیکیان)، *چهار راه حوادث* (ساموئل خاچیکیان)، *پایان رنج‌ها* (مهدی رییس فیروز)، *آقامحمدخان قاجار* (نصرت‌اله محتشم).

نمایش فیلم‌ها به صورت ناقص از بیست و دوم تا بیست و هشتم اسفندماه در سینما متروپل طول کشید و در پایان کار، داوران به بهانه‌ی ندیدن نسخه‌ی کامل فیلم‌ها از انتخاب بهترین‌ها خودداری کردند. سرانجام پس از چند ماه، در پانزدهم خردادماه سال ۱۳۳۴ ش. فیلم‌های برگزیده‌ی جشنواره به این شرح اعلام شد: بهترین فیلم‌برداری: *آخرین شب* (محسن بدیع)، بهترین فیلم‌نامه: *مهتاب خونین* (موشق سروری)، بهترین بازیگر نقش دوم زن: منیر تسلیمی (*مهتاب خونین*)، بهترین بازیگر نقش دوم مرد: هوشنگ بهشتی (*مهتاب خونین*)، بهترین بازیگر نقش اول زن: مهین دبیهم (*پایان رنج‌ها*)، بهترین بازیگر نقش اول مرد: آرمان (*چهارراه حوادث*)، بهترین کارگردان: ساموئل خاچیکیان (*چهارراه حوادث*)، بهترین فیلم: *پایان رنج‌ها* (مهدی رییس‌فیروز).

● نخستین فیلمی که بر اساس یک افسانه‌ی عامیانه ساخته شد، *امپراتورسلطان نامتار* (شاپور یاسمی، ۱۳۳۴)، است. این فیلم چنان مورد استقبال عامه‌ی مردم قرار گرفت که تا سال‌ها بعد، پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران بود. *امپراتورسلطان نامتار* در ادامه‌ی اکران موفقش، ماه‌ها در سینما میهن واقع در میدان حسن‌آباد روی پرده ماند تا آن‌جا که بین مردم این میدان به ایستگاه اسپراسلان شهرت یافت.

● نخستین فیلم موزیکال فرنگی که با ترجمه‌ی آوازهایش به فارسی دوبله شد، *روپای شیرین* (نام اصلی: *گل‌های شب* رنه کلر، ۱۹۵۲)، محصول مشترک فرانسه و ایتالیا بود. دوبله‌ی این فیلم با مدیریت سیامک یاسمی در سال ۱۳۳۴ در استودیو سانترال به انجام رسید و به عنوان برنامه‌ی افتتاحیه‌ی سینما رویال به نمایش درآمد. مهین کسمایی که در *روپای شیرین*، به‌جای مارتین کارول صحبت می‌کرد، درباره‌ی چند و چون دوبله‌ی آن گفته است:

از آن‌جا که نواز دیالوگ‌ها و آوازاها و موسیقی به‌طور جداگانه وجود نداشت، خواننده نمی‌توانست به زبان فارسی و روی موسیقی اصلی فیلم بخواند. بنابراین می‌بایست، آواز و



فیلم‌سازی باز داشت.

شهرلا ریاحی سال‌ها بعد درباره‌ی فیلم *مهران* چنین گفته است:

دکتر منوچهر کی‌مرام که از دوستان نزدیک همسر من بود، فیلم‌نامه‌ای به نام *مهران* نوشته بود که جاذبه‌ی تجاری نداشت و به‌ویژه از دو نظر با استانداردهای آن زمان مغایر بود؛ یکی این‌که رقص و آواز نداشت، حال آن‌که این‌گونه صحنه‌ها (که معمولاً توسط مهوش اجرا می‌شد) جزء لاینفک فیلم‌های آن زمان بود و همه به نحوی در فیلم‌هایشان استفاده می‌کردند، دیگر این‌که پایان فیلم‌ها حتماً باید به خوشی و خوبی تمام می‌شد، در صورتی که این فیلم‌نامه با خودکشی *مهران* پایان می‌یافت. کلی‌مرام فیلم‌نامه را به همسر من داد و تا بیخواند. من هم خواندم و خوشم آمد. گفتم خودم دست به این کار می‌زنم. طبیعاً هیچ تهیه‌کننده‌ای حاضر به سرمایه‌گذاری در چنین فیلمی نبود و باید خودمان آن را تهیه می‌کردیم. یکی از دوستان همسر من حاضر شد، ما را یاری کند و قسمت اعظم

موسیقی یا هم اجرا می‌شد. تا آن‌جا که به یاد می‌آورم، خانم‌ها اولین *باغچه‌بان* و *منیر و کیلی* که خواننده‌ی اپرا بودند، با ارکستر مجلسی آوازها را اجرا کردند.

روایای شیوین با استقبال مردم روبه‌رو شد و زمینه‌ای فراهم کرد تا در سال‌های بعد، برخی آثار موزیکال سینمای جهان به آن شیوه دوبله شود، از جمله فیلم‌هایی چون: *اشک‌ها و لبخندها* (نام اصلی: *آوی موسیقی رابرت وایز*، ۱۹۶۵)، *بانوی زیبای من* (جرج کیوکر، ۱۹۶۴)، *الیور* (کارول رید، ۱۹۶۸)، *یک مرد، یک زن* (کلود لالوش، ۱۹۶۶)، *خیلی، خیلی دور* (گوردن داگلاس، ۱۹۶۶)، *ویسن‌زن روی بام* (نورمن جویسن، ۱۹۷۱).

● نخستین فیلم‌ساز زن سینمای ایران خانم شهرلا ریاحی است که با فیلم *مهران* (۱۳۳۵) اولین و آخرین تجربه‌اش را به انجام رساند. حاصل کار وی نظرهای موافق و مخالف بسیاری را برانگیخت، جنجال مطبوعاتی به راه انداخت و در نهایت او را از ادامه کار

۱۳۳۷ در سینما اوران مسکو به نمایش درآمد و مورد استقبال عموم قرار گرفت. خبر این رویداد به نقل از خبرگزاری تاس در مجله‌ی ستاره‌ی سینما (شماره‌ی ۱۸۴) چنین درج شده است:

امروز نخستین نمایش فیلم هنری ایران، موسوم به بلبل مزرعه، در یکی از سینماهای مرکزی شهر انجام گرفت. این اولین اثر هنری سینمای ایران است که تماشاچیان شوروی با آن آشنا می‌شوند. افرادی که برای تماشای نخستین فیلم ایرانی [به نمایش درآمده در مسکو] گرد آمده بودند، با کف زدن‌های گرم به محسنی کارگردان ایرانی که بنا به دعوت وزارت امور مدنی اتحاد شوروی به مسکو آمده است، تبریک و تهنیت گفتند. سیمون دولیدزه از طرف کارکنان سینماتوگرافی شوروی به مهمان وارده از ایران خیرمقدم گفت و موفقیت‌های بزرگی را برای همکاران ایرانی خود آرزو نمود. مجید محسنی اظهار داشت: «موقعی که معلوم گردید که من به مسکو خواهم رفت، دوستانم به من توصیه می‌کردند که لباس گرم بپوشم و پالتوی پوست همراه خود بردارم ولی آن‌ها پیش‌بینی نمی‌کردند که در مسکو، افرادی با قلب‌های گرم از من استقبال خواهند کرد...» مجید محسنی در مروری بر خاطرات گذشته، از این حادثه چنین یاد کرده است:

در سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۷) اداره‌ی بازرگانی شوروی، توسط مؤسسه‌ی «سواکسپورت فیلم» که امور صادرات و واردات فیلم در شوروی را به عهده دارد، بلبل مزرعه را به صورت رسمی و طی قراردادی از ما خرید. فیلم توسط خود آن‌ها به زبان روسی دوبله شد. سپس خود من هم به آن‌جا دعوت شدم... آن‌ها از فیلم حدود نهمصد کپی برای نمایش در سراسر شوروی تهیه کرده بودند، در حالی که ما خودمان معمولاً حداکثر پنج یا شش کپی چاپ می‌کردیم. به هر حال فیلم حدود یک ماه به طور مرتب در گوشه و کنار شوروی نمایش داده شد. اما به دلیل سهل‌انگاری ما در عقد قرارداد، فقط همان مبلغ قرارداد اولیه (سه میلیون ریال) به ما پرداخت شد.

- نخستین فیلم ایرانی که به جشنواره‌ی برلین راه یافت *سبب‌نشین* در *چشم* (موشق سروری - ساموئل خاچیکیان، ۱۳۳۶) است. این فیلم در تیرماه سال ۱۳۳۷ در بخش رسمی جشنواره‌ی برلین به نمایش درآمد.
- نخستین شبکه‌ی تلویزیونی ایران، یازدهم مهرماه سال ۱۳۳۷ در

سرمایه را تأمین کرد. البته حاضر نشد اسمش را بگوییم و به همین دلیل نام من به عنوان تهیه‌کننده هم آمد... فیلم با همان مشخصاتی که در فیلم‌نامه بود، ساخته شد و روی اکران آمد اما کار نکرد و ما مجبور شدیم نه تنها رقص مهوش به آن اضافه کنیم که حتی پایانش را هم تصحیح کردیم. خودکشی را حذف کردیم و به مرجان گفتیم که برود توی ده و زندگی خودش را ادامه دهد! این تغییرات به شدت توی ذوقم زد. تصمیم گرفتم فیلم‌سازی را رها کنم و به همان بازیگری مشغول شوم که با احساسم جور می‌آمد.

- نخستین بازیگر مرد که به نقش زن روی پرده‌ی سینما ظاهر شد، شادروان علی تاشی در فیلم *ماموآزل خاله* (امین امینی، ۱۳۳۶) بود. این فیلم بر اساس نمایشنامه‌ی *خاله چارلی* ساخته شد که هنریک استپانیان آن را در دهه‌ی ۱۳۲۰ برای صحنه آماده کرده بود و دوبار نیز در تئاتر تهران نمایش داشت.
- نخستین بازیگر زن که با لباس مردانه بر پرده‌ی سینما ظاهر شد، بانودلکش (عصمت باقرپور) در فیلم *ظالم بلا* (سیامک یاسمی، ۱۳۳۶) بود.

● نخستین لابراتوار فیلم در سال ۱۳۳۶ در قسمت سمعی بصری ارتش (اداره‌ی ششم) تأسیس شد که محل آن در خیابان سوم اسفند سابق بود. این لابراتوار به چاپ و ظهور فیلم‌های سیاه و سفید و ریورسال می‌پرداخت.

گفتنی که چاپ فیلم در ایران پیشینه‌ی بیشتری دارد. به طوری که گفته‌اند، نخستین بار خان باباخان معتمدی، با وسایل و نقشه‌ای که همراه خود از فرهنگ آورده بود، تاریکخانه‌ی کوچکی ساخت و مقداری از نگاتیوهایی را که فیلم‌برداری کرده بود، در آن به چاپ رساند. نحوه‌ی کار وی بدین ترتیب بود که فیلم (نگاتیو یا پزتیو) را به دور چارچوب‌های یک متر در یک متر می‌پیچاند و در مخزن‌های داروی ظهور و ثبوت و شست‌وشو فرو می‌برد و برای خشکاندن، از طناب می‌آویخت. به همین دلیل ذرات گرد و غبار به فیلم صدمه می‌زد. این شیوه‌ی چاپ فیلم، سال‌ها در ایران ادامه یافت.

- نخستین فیلم ایرانی که در خارج از مرزها نمایش موفقیت‌آمیزی داشت، بلبل مزرعه (مجید محسنی، ۱۳۳۶) است. این فیلم به سال

خیابان وزرا (خالد اسلامبولی) توسط حبیب‌اله ثابت پاسال، سرمایه‌دار معروف، تأسیس شد.

این شبکه‌ی تلویزیونی در آغاز کار روزانه فقط دو ساعت برنامه داشت و به تدریج بر طول زمان برنامه‌هایش افزود. اما به دلیل نقدان‌اندیشه‌های سازنده و مبتکر خیلی زود نارسایی‌ها و کاستی‌هایش در نشریات بازتاب پیدا کرد. از جمله مجله‌ی ستاره‌ی سینما شماره‌ی ۲۹۱ (۱۳۳۹/۱۱/۲۳) ضمن بررسی برنامه‌های تلویزیون چنین نوشت:

موضوع تلویزیون و برنامه‌های تلویزیونی نیز از جمله موضوعاتی است که می‌تواند مورد بحث و گفت‌وگو قرار گیرد و در دلدل‌های گروهی که به آن دل خوش کرده‌اند، بازگو شود. گرچه ما سابقاً در هر فرصتی که پیش آمده انتقادهای خود را بیان کرده و نقایص کار مجریان برنامه‌های تلویزیونی را آشکار ساخته‌ایم، ولی تا به حال نگفته‌ایم دستگاهی که با سرمایه و اهتمام آقای حبیب ثابت به وجود آمد و نام فرستنده‌ی تلویزیون ایران به خود گرفت، از الف اول تا یای تمتش جنبه‌ی تجاری مطلق داشت.

با این وسیله صاحبان تلویزیون، تصویب‌نامه‌ی گمرکی خاصی تحصیل کردند و این‌طور که بعضی مخالفان آن می‌گویند، به‌عنوان وسایل فنی تلویزیون که به موجب این تصویب‌نامه از پرداخت عوارض گمرکی معاف است، صدها نوع وسیله‌ی تجملی دیگر از قبیل فرش‌های ماشینی، یخچال، اتومبیل، اتوبوس، انواع دوربین و کولر و شومیز و غیره وارد ساختند و از این طریق مقادیر ممتناهی بهره‌برداری کردند.

● نخستین فیلم اسکوپ رنگی، عروس فواری (اسماعیل کوشان) است که برخی امور فنی آن از قبیل چاپ، مونتاژ و صداگذاری، در آلمان و ایتالیا به انجام رسید. از این فیلم دو کپی رنگی و دو کپی سیاه و سفید با کادر معمولی (غیراسکوپ) تهیه شد تا نمایش آن در شهرستان‌هایی که لنز اسکوپ و دستگاه نمایش مجهز نداشتند، ممکن باشد.

عروس فواری، نخستین فیلمی است که در آن یک بازیگر (دلکش) در دو نقش متفاوت (یک دختر ساده‌دل روستایی و یک خواننده‌ی مشهور) ظاهر شده است.

● نخستین محصول مشترک سینمای ایران با غرب، فیلم بازی عشق (والتر بیور، ۱۳۳۸) است که استودیو اطلس فیلم آن را در دو

نسخه‌ی فارسی و انگلیسی تهیه کرد. این فیلم در ایران نمایش ناموفقی داشت و از وضع آکرانش در خارج از کشور اطلاعی در دست نیست. بازیگران بازی عشق محسن مهدوی، سویر کسون، هوم دستور و جلال اصغرزاده بودند و فیلم‌برداری‌اش را هم فریدون قوانلو انجام داده بود.

● نخستین شکل صنفی در سینمای ایران، تحت عنوان اتحادیه‌ی تهیه‌کنندگان فیلم‌های ایرانی و دوبله، در نیمه‌ی دوم فروردین ماه سال ۱۳۳۸ از طرف شورای اصناف پذیرفته شد و نخستین اطلاعیه‌ی رسمی آن، اول دی‌ماه همان سال به شرح زیر انتشار یافت:

بدین وسیله به اطلاع کلیه‌ی تهیه‌کنندگان فیلم‌های ایرانی و دوبله و صاحبان استودیوها می‌رساند که خوشبختانه آیین‌نامه‌ی اتحادیه‌ی تهیه‌کنندگان فیلم‌های ایرانی و دوبله‌کنندگان فیلم‌های خارجی به فارسی به تصویب وزارت کشور و شورای عالی اصناف و سایر مقامات ذی‌صلاحیت رسیده و به ادارات مربوط نیز ابلاغ گردیده است، چون طبق ماده‌ی ۱۶، ۲۰ و ۲۳ آیین‌نامه‌ی صنفی، تنها کسانی حق تهیه‌ی فیلم فارسی و دوبله و تأسیس استودیو خواهند داشت که صلاحیتشان در هیأت مدیره‌ی اتحادیه مورد تأیید و تصویب قرار گرفته کارت و پروانه‌ی رسمی جهت آنان صادر شده باشد. لذا لازم است کلیه‌ی تهیه‌کنندگان فیلم‌های فارسی و دوبله جهت دریافت و تکمیل برگ تقاضای عضویت به‌دو دفتر این اتحادیه (خیابان اسلامبول، شماره‌ی ۴۱۶، جنب دفتر پارس فیلم) مراجعه فرمایند والا طبق ماده‌ی ۱۷ آیین‌نامه‌ی وزارت کشور با معاضدت و کمک ادارات مربوطه از اقدامات آنان جلوگیری به‌عمل آمده و چنانچه فیلمی تهیه یا دوبله نمایند به‌طور قطع نمایش آن ممنوع و پروانه‌ی لازم صادر نخواهد شد.

دبیر تحریریه: عطاله زاهدی - رییس اتحادیه: دکتر کوشان البته قبلاً نیز کوششی برای تشکیل سندیکا از طرف صاحبان سینما صورت گرفته بود و نخستین انتخابات صنف صاحبان سینما و تئاتر در آبان‌ماه سال ۱۳۳۳ به عمل آمده بود.

● نخستین فیلمی که از جاذبه‌ی فوتبال برای جذب تماشاگر عام بهره می‌گیرد - هرچند موفق نمی‌شود - هوقلوا (شاپور یاسمی، ۱۳۳۸) است. این فیلم در واقع تلفیقی از ملودرام‌های رایج آن

۱۳۵۶، به فیلم‌های برگزیده اعطا شد به دست استاد حاج آخوندی مجسمه‌ساز موزه‌ی ایران باستان، بر اساس پیکره‌ای زیبا از آثار باستانی موجود در موزه‌ی ایران باستان طراحی شده بود. قدمت این پیکره به حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد و در حفاری تپه‌ای به نام دلفان در استان لرستان به دست آمده است. این پیکره در اندازه‌ی دو برابر و نیم اصل آن، و در سه نوع طلایی و نقره‌ای و برنزی، با پایه‌های مرمرین قالب‌ریزی شده بود. جشنواره‌ی فیلم‌های آموزنده پس از پیروزی انقلاب و به دنبال وقفه‌ای چندساله، هم‌چنان به کار خود ادامه داد و در حال حاضر با نام جشنواره‌ی بین‌المللی رشد برگزار می‌شود.

● نخستین فوتبالیست مشهور ایرانی که وسوسه‌ی بازیگری به سرش افتاد و جلوی دوربین فیلم‌برداری نقش آفرینی کرد، عزیز اصلی، دروازه‌بان قدر و پرآوازه‌ی تیم ملی فوتبال بود. او توسط ساموئل خاچیکیان و با فیلم بی‌عشق هرگز (۱۳۴۴) به سینما و بازیگری روی آورد و چند سال این کار را ادامه داد. فیلم‌هایش عبارت‌اند از: مأمور دوچاپه (مهدی میرصمدزاده، ۱۳۴۵)، خدا حافظ تهران (ساموئل خاچیکیان، ۱۳۴۵)، کشتی نوع (خسرو پرویزی، ۱۳۴۷)، توپل (نادر قانع، ۱۳۴۷) فاتحین صحرا (محمدزین‌دست، ۱۳۵۰).

● نخستین فیلم نیمه‌رنگی، گنج قارون (سیامک یاسمی، ۱۳۴۴) است که به دلیل فروش بی‌سابقه‌اش، فیلم‌سازان دیگر را نیز به وسوسه‌ی ساخت فیلم نیمه‌رنگی انداخت. بخش رنگی این فیلم، فصلی موزیکال و مستقل از ماجراهای آن بود.

● نخستین سینمای مجهز به پرده‌ی عریض، هفتاد میلی‌متری و صدای استریو شش بانندی، در سال ۱۳۴۵ با نام «دیاموند» آغاز به کار کرد. برنامه‌ی افتتاحیه‌ی این سینما، فیلم موزیکال اشک‌ها و لبخندها بود که با برگردان ترانه‌های آن به فارسی توسط علی کسمایی در استودیو دماوند دوبله شد، و این نمونه‌ای به یادماندنی در تاریخ دوبلاژ ایران به حساب می‌آید. کسمایی در این باره گفته است:

در سال ۱۳۴۵ در استودیو دماوند کار می‌کردم که دوبله‌ی فیلم اشک‌ها و لبخندها را به من پیشنهاد کردند، نماینده‌ی کمپانی سازنده‌ی فیلم در ایران می‌گفت که برای دوبله‌ی این فیلم در

سال‌ها با موضوع ورزش و گرته‌برداری از یک فیلم خارجی به نام پهران و پسران است و می‌کوشد به زبان عامه‌پسند حکایتی در باب سرنوشت روایت کند: کودکی سرراهی فوتبالیست مشهوری می‌شود، برای انجام مسابقه به تهران می‌آید و طی حوادثی خانوادگی گمشده‌ی خود را پیدا می‌کند.

دو قلوها، نخستین فیلم اسکوپ سیاه و سفید و آخرین تجربه‌ی سازنده‌اش (شاپور یاسمی برادر سیامک یاسمی) به شمار می‌رود.

● نخستین فیلمی که می‌توان از آن به عنوان سرآغاز سینمای کودک و نوجوان یاد کرد، بیم و امید (احمد فهمی، ۱۳۳۹) است. این فیلم تلاش و تکاپوی دخترکی فقیر را به تصویر می‌کشد که برای نجات جان پدر بیماراش در جست‌وجوی داروی قلب شهر را زیر پا می‌گذارد و در سیاحت اجتماعی‌اش، تماشاگران را نیز با خود همراه می‌کند. بازی به یادماندنی گوگوش در سن یازده‌سالگی یکی از نقاط قوت بیم و امید است.

● نخستین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم ایران، سی‌ام خردادماه سال ۱۳۴۲ به ابتکار اداره‌ی فعالیت‌های هنری و سمنی و بصری وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) برگزار شد. نخستین برنامه‌ی این جشنواره با عنوان «فستیوال فیلم‌های آموزنده» در یکی از دبیرستان‌های معروف دخترانه‌ی تهران بود که در حال حاضر مرکز تربیت معلم شهید باهنر است. این دوره‌ی جشنواره، در سه رشته‌ی هنری، تربیتی و آموزشی با نمایش فیلم‌هایی از بیست و یک کشور جهان شکل گرفت. کشورهای شرکت‌کننده عبارت بودند از: آمریکا، شوروی، انگلستان، ایتالیا، اندونزی، پاکستان، ترکیه، چکسلواکی، چین، ژاپن، فرانسه، کانادا، لهستان، مجارستان، لبنان، نروژ، هلند، هندوستان، یوگسلاوی و ایران... که کمابیش در دوره‌های آتی هم حضور فعالی داشتند.

واژه‌ی جشنواره که امروز جایگزین مناسبی برای واژه‌ی فرهنگی فستیوال است و در فرهنگ لغات به ثبت رسیده و کاربرد عام دارد، دستاورد اولین برگزاری همین رویداد بین‌المللی است و به پیشنهاد دکتر پرویز ناتل خانلری به کار رفت.

جشنواره‌ی یاد شده، در سال‌های نخست تنها در تهران برگزار می‌شد، اما پس از طی چند دوره، برحسب ضرورت، در مراکز استان‌ها و شهرستان‌های محروم نیز جایگاهی یافت.

طرح جایزه‌ی ویژه‌ی جشنواره که در طی چهارده دوره تا سال

کشورهای مختلف، آوازه‌ایش هم ترجمه شده و بسیار موفق بوده، به همین جهت کمپانی می‌خواهد، در این جا هم آوازه‌ها به فارسی برگردانده شود. گفتیم؛ این کار یا کاملاً موفق خواهد شد یا کاملاً شکست می‌خورد، حالت بینابینی وجود ندارد... به هر حال تصمیم گرفتیم این کار را انجام دهیم، دیالوگ‌ها طبق معمول ترجمه شد (توسط فیروز فلاحی) و هم چنین شعرها، ترجمه‌ی شعرها را همراه با نوار موسیقی و آواز فیلم، در اختیار تورج نگهبان (ترانه‌سرای موفق آن دوران) گذاشتیم و او بر اساس شعرهای اصلی و ریتم موسیقی و لحن و حالت آوازه‌ها، ترانه‌هایی به فارسی نوشت که خیلی شبیه اصل است. سپس از تعدادی خواننده‌های هنرجوی هنرستان عالی موسیقی دعوت کردیم تا با آن موسیقی و آن ترانه‌ها و با توجه به تصویرهای فیلم، زیرنظر تورج نگهبان تمرین کنند. از آن‌جا که صدای اشک‌ها و لب‌خندها، استریو فونیک شش بانندی بود، امور فنی و صداگذاری آن در آلمان انجام شد تا نسخه‌ی دوبله شده هم کیفیت مطلوبی داشته باشد.

● نخستین سینمای ویژه‌ی نمایش فیلم‌های کودک و نوجوان در سال ۱۳۴۵ در طبقه‌ی چهارم فروشگاه فردوسی واقع در خیابان فردوسی افتتاح شد که تا اوایل دهه‌ی پنجاه فعالیت داشت. بهای بلیت آن ده ریال بود که در مقایسه با بهای بلیت سینماها (حدود سی ریال) رقم اندکی به حساب می‌آمد. خبر بازگشایی این سینما را مجله‌ی فیلم و هنر (شماره‌ی ۸۸ - پنجشنبه دوازدهم خردادماه سال ۱۳۴۵) چنین اعلام کرده است:

هفته‌ی گذشته سینمای فروشگاه فردوسی افتتاح گردید. این سینما که گنجایش ۱۶۰ نفر تماشاچی را دارد، برای کودکان ساخته شده است تا کسانی که برای خرید مایحتاج با فرزندان خود به فروشگاه مزبور می‌آیند، بتوانند با خیال راحت خرید نمایند.

برنامه‌های این سینما تماماً از بین آثار خوب سینمای مخصوص کودکان تهیه می‌شود و این اقدام آقای دکتر ایقانی مدیرعامل فروشگاه فردوسی در خور توجه و شایان تحسین است.

● نخستین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در آبان ماه سال ۱۳۴۵ برگزار شد و پس از نمایش ۱۱۱ فیلم کوتاه و

بلند از بیست و پنج کشور شرکت‌کننده نوزدهم آبان ماه به پایان رسید.

دوران بین‌المللی جشنواره نورمن مک‌لارن (کانادا)، یون پوسکوگوپو (رومانی)، هانری گروئل (فرانسه)، خواجه‌نوری و عبدالمجید مجیدی (ایران) بودند. این جشنواره در سال‌های پیش از انقلاب، دوازده دوره برگزار شد.

● نخستین محصول علمی - تخیلی سینمای ایران، مرد نامریی (دکتر اسماعیل کوشان، ۱۳۴۵) است که این نکته در زمان نمایش عمومی با خط درشت بر تارک آگهی‌های تبلیغاتی فیلم جلب توجه می‌کرد: پارس فیلم، نخستین فیلم فانتزی - علمی سینمای ایران را تقدیم می‌دارد.

موضوع مرد نامریی که از فیلم هندی آقای ایکس اقتباس شده بود، درباره‌ی دکتر جوانی است که روزی حس می‌کند نامریی شده است و قضیه را با نزدیکان خود در میان می‌گذارد. بدین ترتیب عده‌ای برای نجات او تلاش می‌کنند و برخی دیگر سعی دارند فرمول بی‌رنگ شدن سلول‌ها را به دست بیاورند...

به هر حال حاصل این نخستین تجربه در سینمای ناتوان آن سال‌ها چندان چشم‌گیر نبود و فیلم را با شکست فاحش روبه‌رو کرد. مقدمات ساخت این فیلم از سال ۱۳۴۴ با نام‌های علی غیبی و شخص نامریی آغاز شده بود.

● نخستین فیلم مستند سینمایی ایران، خانه‌ی خدا (جلال مقدم، ابوالقاسم رضایی و احمد شیرازی، ۱۳۴۵) است. این فیلم که سند ارزشمندی درباره‌ی مناسک حج به شمار می‌رود، در زمان نمایش موفقیت بسیار چشم‌گیری داشت و با دوبله به زبان انگلیسی در بسیاری از کشورهای مسلمان جهان مجال نمایش پیدا کرد.

خانه‌ی خدا نخستین و شاید تنها فیلم ایرانی است که در سطح وسیعی امکان نمایش جهانی یافت و در بیشتر کشورهای آسیایی و اروپایی به نمایش درآمد. به طوری‌که گفته‌اند فقط در هندوستان بیش از چند میلیون روپیه فروش داشت.

گفتنی است که در زمان نمایش خانه‌ی خدا، یکی از سازندگان فیلم (ابوالقاسم رضایی، تهیه‌کننده‌ی فیلم) مورد خشم و سوء قصد یک گروه متعصب مذهبی قرار گرفت و به شدت آسیب دید و پس از این حادثه از ایران رفت و در خارج ماندگار شد.

جالب این‌که در آگهی تبلیغات فیلم برای حفظ حرمت خانه‌ی خدا

چنین اعلام شده بود:

سینماهایی که افتخار نمایش فیلم بزرگ خانهای خدا را یافته‌اند به اطلاع عموم می‌رسانند که به منظور بزرگداشت شعایر مقدس دین مبین اسلام در تمام مدت نمایش این سند بزرگ از پخش هرگونه آگهی‌های تجارتي و نمونه‌ی فیلم‌های سینمایی خودداری خواهند نمود و ضمناً سالن‌های انتظار منحصراً با عکس‌های مراسم حج مزین خواهد بود.

● نخستین مجموعه تلویزیونی (سریال) ایرانی که با خط و ربط داستانی به شیوه‌ی رایج سریال‌های فرنگی ساخته شد، امیرالسلطان نام داشت که در سال ۱۳۴۶ به نمایش درآمد و مورد استقبال کم‌نظیر بینندگان قرار گرفت و زمینه‌ای فراهم کرد تا سریال‌سازی رونق بیشتری بگیرد.

البته قبل از امیرالسلطان برنامه‌های دنباله‌داری از قبیل حرف‌تو حرف و پیوند نیز ساخته شده بود. سوئال امیرالسلطان بر اساس نمایشنامه‌ای به همین نام، نوشته‌ی پرویز کاردان شکل گرفت که در اجرای تلویزیونی با نسخه‌ی تئاترش تفاوت‌هایی داشت.

● نخستین فیلمی که به طریقه‌ی تکنی اسکوپ پانوراما ساخته شد، العاس ۳۳ (داریوش مهرجویی، ۱۳۴۶) است. این فیلم پرهزینه‌ترین تولید سینمای ایران در آن سال‌هاست که بیش از بیست میلیون ریال خرج برمی‌دارد و نخستین فیلم ایرانی است که با طول زمان سه ساعت یعنی بیش از حد معمول زمان فیلم‌های ایرانی به نمایش درمی‌آید. اما به رغم گشاده‌دستی سازندگان چنان‌که باید، مورد استقبال تماشاگران واقع نمی‌شود.

العاس ۳۳، نخستین فیلم ایرانی است که در آن، جلوه‌های ویژه به سیاق فیلم‌های فرنگی، به کار می‌رود. کار جلوه‌های ویژه‌ی این فیلم را محمود اقبال کازرونی، معروف به محمود پیراسته انجام داده است.

البته در این زمینه، مرحوم ولی‌اله خاکدان، دکوراتور و طراح صحنه‌ی قدیمی نظر دیگری داشت او گفته است:

اسپشال افکت را برای نخستین بار در فیلم العاس ۳۳ من به کار بردم. در این فیلم دستیاری داشتم به نام پیراسته که بعدها ادعا کرد، نخستین کسی بوده که این کار را در سینمای ایران انجام داده است! در صورتی که برای افه‌های انفجار، خودم ایشان را فرستادم خیابان ناصر خسرو

و لیستی دادم که مواد مختلفی را بخرد و مخلوط کند تا در صحنه‌های انفجار فیلم از آن استفاده کنیم.

● نخستین فیلم سینمایی، مستند ورزشی، جام آسیا (هزیر داریوش، ۱۳۴۷) است که گزارشی سینمایی از مسابقات نهایی فوتبال جام آسیا (۱۹۶۸ - تهران) به نمایش گذاشت.



العاس ۳۳ اولین فیلمی که به شیوه‌ی تکنی اسکوپ پانوراما ساخته شد.

این فیلم به مدت ۹۲ دقیقه و به طریقه‌ی سیاه و سفید، در مهرماه سال ۱۳۴۷ در سینماهای کریستال و مهتاب نمایش عمومی داشت و گزیده‌ای از رقابت تیم‌های فوتبال برمه، چین ملی، هنگ‌کنگ، اسرائیل و ... بازی نهایی دو تیم ایران و اسرائیل را نشان می‌داد و در نهایت با پیروزی تیم فوتبال ایران و دریافت جام پیروزی به پایان می‌رسید.

● نخستین فیلم که به عنوان اثر برتر سینمای ایران در سینماتک پاریس به نمایش درآمد، شب قوزی (فرخ غفاری، ۱۳۴۳) بود. این فیلم در روز بیست‌ویکم ژانویه ۱۹۷۹ برابر با اول بهمن‌ماه ۱۳۴۸، در سانس ساعت سه بعدازظهر به نمایش گذاشته شد.

● نخستین شکل فیلم‌سازی آماتوری ایران، در سال ۱۳۴۸ به نام

سینمای آزاد شکل گرفت. پایه‌گذار این جریان فیلم‌سازی بصیر نصیبی، ابراهیم وحیدزاده، بهنام جعفری، فریدون شبیانی، فیروز گوهری، کورش افشارپناه، شهریار پارسی‌پور و فریدون رهنما بودند. سینمای آزاد در آغاز دومین سال فعالیتش، نخستین جشنواره‌ی فیلم‌های هشت میلی‌متری را تدارک دید و طی سه شب، سی فیلم در سالن کارگاه نمایش عرضه کرد. این دوره‌ی جشنواره، داور و جایزه نداشت و فقط مروری بود بر کارهای انجام شده.

در سال ۱۳۵۳، سینمای آزاد، آیین‌نامه‌ای تنظیم کرد و با نام «انجمن سینمای آزاد» شورای عالی فرهنگ و هنر به ثبت رسید. هفتمین دوره‌ی جشنواره سینمای آزاد، نخستین جشنواره‌ای بود که به شکل بین‌المللی و با حضور کشورهای دیگر جهان برگزار شد. این تشکل فیلم‌سازی تا آغاز انقلاب فعال بود و بسیاری از دست‌اندرکاران امروز سینمای ایران، تجربه آموختگان سینمای آزادند.

● نخستین فیلم بلند سینمای ایران که مورد تأیید و تحسین منتقدان و صاحب‌نظران بین‌المللی قرار گرفت و جوایز متعددی دریافت کرد، فیلم *گاو* (داریوش مهرجویی، ۱۳۴۸) است. این فیلم در سی و دومین دوره‌ی جشنواره‌ی ونیز (۱۹۷۱) برنده‌ی جایزه‌ی «مجمع بین‌المللی منتقدان» شد و در جشنواره‌ی شیکاگو نیز جایزه‌ی بهترین بازیگر مرد را برای عزت‌اله انتظامی به ارمغان آورد. فیلم از آن پس در برخی از مجامع سینمایی داخلی و خارجی نیز به نمایش درآمد و جوایزی کسب کرد. مهرجویی درباره‌ی چگونگی حضور *گاو* در جشنواره‌ی ونیز چنین گفته است:

... فیلم ساخته و آماده‌ی نمایش شد و طبق معمول در جلسه‌ای خصوصی برای رؤسای فرهنگ و هنر نمایش داده شد و از همان جلسه، مشکلات شروع شد... خلاصه فیلم افتاد در کش و قوس ظن و بدگمانی و تردید و یک سال ونیم معطل ماند... تا این‌که چند فرانسوی فیلم را دیدند و یک کپی‌اش را فرستادند برای جشنواره‌ی ونیز. بدون این‌که زیرنویس داشته باشد. یک هفته بعد خبر دادند که فیلم به قسمت مسابقه رفته و [گفتند] شما هم دعوت شده‌اید. بلند شدیم و رفتیم ونیز. فیلم را اواسط جشنواره نشان دادند که خیلی مر و صدا کرد... دیالوگ‌ها را خود من از بلندگوی سالن به انگلیسی ترجمه می‌کردم. چهار بار فیلم را نشان دادند و هر

بار به تنهایی آن را دوبله‌ی همزمان می‌کردم... به هر حال جایزه‌ی منتقدان بین‌المللی را گرفت که بزرگترین جایزه‌ی جشنواره در آن سال به‌خصوص قلمداد می‌شد. خوب خبرها به ایران و دفتر پهلبد رسید. این اولین موفقیت بین‌المللی سینمای ایران بود.

درباره‌ی وضعیت نمایش فیلم *گاو* در فستیوال ونیز جوانی رابونی منتقد روزنامه *اوه نیو* چنین نوشت:

یک فیلم ایرانی، بدون زیرنویس و کاتالوگ و بروشور در جشنواره نمایش داده شد و من برخلاف حالت اسرارآمیزی که این وضع ایجاد کرده بود، *گاو* ساخته داریوش مهرجویی، فیلم‌ساز جوان و موخرمایی ایرانی را فیلمی پخته و کاملاً موفق یافتم.

● نخستین فیلم ایرانی که با صدای استریو فونیک شش بانندی ساخته شد، *احساس داغ* (روبیگ زادوریان، ۱۳۵۰) نام دارد. این فیلم به طریقه‌ی تکنی اسکوپ ایستمن کالرو، در چند سینمای تهران و شهرستان‌هایی مانند مشهد، اهواز، تبریز... با صدای استریو فونیک و در برخی دیگر از سینماها با صدای عادی به نمایش درآمد. روبیگ زادوریان که نخستین طراح و سازنده‌ی دستگاه‌های ویژه‌ی فیلم‌برداری و چاپ به طریقه‌ی تکنی اسکوپ در ایران است و پیش از این نیز برای نخستین بار در کشور مایع مگنت (نوار ضبط مغناطیسی حاشیه فیلم) ساخته بود و فیلم‌های هفتاد میلی‌متری را به طریقه‌ی استریو فونیک صداگذاری می‌کرد، انگیزه‌ی تهیه و کارگردانی فیلم *احساس داغ* را چنین شرح می‌دهد:

... سال ۱۳۴۸ دستگاه‌های مخصوص فیلم‌برداری و چاپ با سیستم تکنی اسکوپ که مراحل طراحی و ساخت آن مدت‌ها طول کشیده بود، آماده شد. پس از آزمایش‌های لازم و اطمینان از کارایی آن، تصمیم گرفتیم این سیستم را به فیلم‌سازان بشناسانیم. برای این کار اقدام به ساخت اولین فیلم ایرانی به طریقه‌ی رنگی تکنی اسکوپ با صدای استریو فونیک کردم... پس از پایان ساخت فیلم، از طرف وزارت فرهنگ و هنر وقت از فیلم تعریف و تقدیر شد، آن هم به خاطر تکنیک و رنگ‌آمیزی‌اش. این فیلم در تاریخ سینمای ایران به عنوان اولین فیلم رنگی ساخته شده به طریقه‌ی تکنی اسکوپ با صدای استریو فونیک ثبت شد. این روش مزایای بسیاری دارد، از

سرمایه‌ای حدود ده میلیون ریال آغاز شد و برنامه‌ی نوروز سینما شهر قصه بود. اما پس از دو روز نمایش آن متوقف شد و سرانجام مدتی بعد به صورت یک مجموعه تلویزیونی (سریال) سه قسمتی از برنامه کودک و نوجوان شبکه‌ی اول سیما به نمایش درآمد.



ابراهیم در گلستان اولین فیلم بلند عروسکی

جمله این‌که به دلیل استفاده از لنزهای عمق بیشتری است. مصرف نگاتیو، پنجاه درصد کمتر از مصرف نگاتیو فیلم‌های معمولی است. تصاویر به لحاظ چاپ شدن با سیستم نوری شفافیت خاصی دارد. دست فیلم‌بردار برای استفاده از لنزهای متنوع باز است...

● نخستین فیلم‌بردار زن سینمای ایران خانم پروانه‌ی مهیمن (متولد ۱۳۳۰) است. وی علاوه بر تحصیل در مدرسه‌ی عالی سینما و تلویزیون به قصد کامل کردن آموزش فیلم‌برداری یک سال در دانشکده‌ی سینمایی میثیگان و دو سال در مدرسه‌ی بین‌المللی لندن دوره‌ی تکمیلی گذراند و پس از بازگشت به ایران، کار خود را با فیلم‌برداری مستندهای خبری برای تلویزیون آغاز کرد. نخستین کار جدی‌اش دستیاری فیلم‌بردار در فیلم‌های اوکی مستر (پرویز کیمیای، ۱۳۷۵) و مجموعه‌ی تلویزیونی سربداران (محمدعلی نجفی، ۱۳۶۳) بود و بعد از آن در مقام فیلم‌بردار با فیلم‌های شهرموش‌ها (محمدعلی طالبی، ۱۳۶۳)، دبیرستان (اکبر صادقی، ۱۳۶۵) راز کوبک (کاسم معصومی، ۱۳۶۸)، آما (اکبر صادقی، ۱۳۷۱) و ... همکاری داشته است.

● نخستین فیلم بلند سینمایی که جنگ تحمیلی را دستمایه قرار داد مرز (جمشید حیدری، ۱۳۶۰) است. این فیلم بر اساس فیلم‌نامه‌ای از سیروس الوند ساخته شد.

● نخستین دوره‌ی جشنواره‌ی فیلم وحدت، بعد از ظهر روز شنبه بیست و ششم آذرماه ۱۳۶۲ در سینما قدس تبریز افتتاح شد و پس از پنج روز نمایش فیلم در دو سینمای این شهر (قدس و وحدت) و بحث و بررسی پیرامون آثار تجربی سینماگران جوان، به کار خود پایان داد و بدین ترتیب، نخستین گام مؤثر در جهت برگزاری جشنواره‌ی فیلم در مراکز استان‌ها برداشته است.

● نخستین فیلم بلند سینمایی به شیوه‌ی عروسکی، ابراهیم در گلستان (ایرج امامی، ۱۳۶۳) است. این فیلم دوره‌ای از زندگی حضرت ابراهیم (ع) و مبارزه‌ی او را علیه شرک و بت‌پرستی نشان می‌دهد.

برای تولید ابراهیم در گلستان، بنا به گفته‌ی سازنده‌اش، از انواع تکنیک ساخت فیلم‌های عروسکی، از قبیل تک‌فریم، دستکشی، نخ‌ی و ... استفاده شده بود. تهیه این فیلم در سال ۱۳۶۰ با

● نخستین دستگاه زیرنویس فیلم را در مردادماه سال ۱۳۶۳ وزارت ارشاد اسلامی از کشور هلند خرید. پیش از این، فیلم‌ها برای زیرنویس شدن به کشورهای اروپایی ارسال می‌شدند.

● نخستین جشنواره‌ی هنری - ادبی روستا، از بیست و سوم خردادماه ۱۳۶۵ به همت واحد تبلیغات دفتر مرکزی جهاد سازندگی برگزار شد. برای این جشنواره، برنامه‌هایی در حوزه‌ی گسترده‌ای از فیلم‌سازی، تئاتر، عکس گرفته تا قصه‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی، فیلم‌نامه‌نویسی، نقاشی و گرافیک پیش‌بینی شده بود. در بخش سینمایی جشنواره بیست فیلم کوتاه داستانی و مستند و سینمایی ارایه شد و در بخش فیلم‌های سینمایی، جاده‌های سرد (مسعود جعفری‌جوزانی) جایزه‌ی اول و لوح تقدیر جشنواره را به خاطر مطرح کردن فضای روستا به خود اختصاص داد و فیلم‌های تنوره‌ی دیو (کیانوش عیاری) و سادبان (علی ژکان) لوح

تقدیر هیأت داوران را دریافت کردند.

● نخستین بار از اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۷، مصرف تخمه و نقلات و استعمال سیگار در سینماهای ممتاز و درجه‌ی یک ممنوع شد. بی‌تردید این ممنوعیت در کاهش تماشاگران فیلم‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای داشت.

● نخستین بار در تاریخ سینمای ایران، اداره‌ی نظارت و نمایش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی اطلاعیه‌ای در هشتم خردادماه سال ۱۳۶۷ شرط تصویب فیلم‌نامه را برای تولید فیلم حذف کرد و بدین ترتیب برای دریافت پروانه‌ی ساخت به ارایه‌ی مصوبه‌ی فیلم‌نامه نیازی نبود.

در این اطلاعیه، ضمن اشاره به این‌که تولیدکنندگان می‌توانند بدون مصوبه‌ی فیلم‌نامه، مستقیماً برای دریافت پروانه‌ی ساخت اقدام کنند و اعلام شد؛ همه‌ی کسانی که موفق به دریافت پروانه‌ی ساخت شوند، از حمایت‌های عام مانند پزتیو، نگاتیو، تجهیزات منحصر به فرد، معرفی‌نامه‌ها و ... که نیازهای عمومی و اولیه‌ی فیلم‌سازی را پوشش می‌دهد، برخوردار خواهند شد. تبصره‌ی دوم اطلاعیه حاکی از آن بود که وام‌های اعطایی از محل تبصره‌ی ۳ بودجه‌ی سال ۱۳۶۷ فقط به تولیدکنندگانی که فیلم‌نامه‌های تصویب شده را تولید می‌کنند پرداخت می‌شود و ... اما این قانون چندان دوامی نداشت و به تدریج با تغییر و دگرگونی روبه‌رو شد تا این‌که سرانجام در نیمه‌ی آبان‌ماه سال ۱۳۷۱ رسماً اعلام کردند که همه‌ی فیلم‌نامه‌ها پیش از ارایه برای صدور پروانه‌ی ساخت باید به تصویب برسند.

● نخستین دوبله‌ی همزمان فیلم‌های خارجی، سال ۱۳۶۸، در بخش مسابقه‌ی پنجمین جشنواره‌ی بین‌المللی کودکان و نوجوانان، انجام شد. در این کار که روزانه دو سانس برنامه‌های سینما شهر قصه و سینما قیام را دربرمی‌گرفت، دو گروه دوتفره متشکل از منوچهر نوزدی و شهلا ناظریان (سینما قیام) و جلال مقامی و رفعت هاشم‌پور (سینما شهر قصه) شرکت داشتند.

منوچهر نوزدی درباره‌ی سابقه‌ی دوبله‌ی همزمان گفته است:

سال‌ها قبل در جایی شبیه کانون فیلم عضو بودم که گاهی فیلم را به زبان اصلی نمایش می‌دادند و من به ابتکار و علاقه‌ی شخصی، خلاصه‌ی داستان و گفتار بعضی فیلم‌ها را تهیه می‌کردم و پس از پایان فیلم برای حاضران می‌خواندم که البته

با شکل فعلی کار تفاوت زیادی داشت.

● نخستین بار در سال ۱۳۶۹ ش. (۱۹۹۰ م.) یک جشنواره‌ی پرسابقه و معتبر بین‌المللی یعنی پزاروی ایتالیا، یکی از برنامه‌های اصلی خود را به معرفی سینمای ایران اختصاص داد.

جشنواره‌ی سینمای نو که از ۲۶ سال پیش در پزاروی ایتالیا برگزار می‌شود یک جشنواره‌ی روشنفکرانه با موضع سیاسی و فرهنگی بنیادگرایانه است. نمایش بیست فیلم بلند و دو فیلم کوتاه ایرانی، بخش اصلی جشنواره را تشکیل می‌داد که خود شامل دو بخش: معرفی سینمای دهه‌ی هشتاد ایران و مرور بر آثار امیر نادری بود.

● نخستین حضور سینمای ایران در موزه‌ی لوور پاریس، آذرماه سال ۱۳۶۹، با نمایش فیلم گلوزاپ، نمای نزدیکی (عباس کیارستمی) بود.

● نخستین جشنواره‌ی فیلم‌های یک‌دقیقه‌ای، روزهای هفدهم و هجدهم دی‌ماه سال ۱۳۷۱ شامل سه بخش فیلم‌های یک دقیقه‌ای، فیلم‌های یک تا سه دقیقه‌ای، و نمایش‌های ویژه در شهر قم برگزار شد. در بخش اول، از میان ۱۷۳ فیلم ارسال شده، ۲۹ فیلم به بخش مسابقه راه یافتند از این میان شمس‌اله دایی‌زاده از اراک به خاطر نشان دادن تداوم زندگی و مفهوم از خاک برآمدن و برخاک شدن، در فیلم زنجیره، گروه سازنده‌ی فیلم میان‌پرده از تهران به خاطر نگاه طنزآمیز همراه با طراحی ساده اما پر قدرت آن، محمد تقی رفیعی از قم به خاطر داشتن تصویرهای روشن و هشدار نسبت به لزوم حفظ محیط زیست در فیلم کوج به ترتیب به عنوان برگزیدگان اول تا سوم این بخش معرفی شدند.

● نخستین بار در سال ۱۳۷۱، نشریه‌ی سالانه‌ی اینترنشنال فیلم‌گاید (راهنمای جهانی فیلم، ۱۹۹۳)، پرونده‌ی سالانه‌ی خود را به معرفی سینمای نوین ایران اختصاص داد. این سالنامه‌ی آماری و اطلاعاتی و تحلیلی که ویراستار آن پیتراکاری نویسنده و منتقد معروف فیلم است، طی سی‌سال انتشار به معتبرترین و پربازترین مأخذ سینمایی کشورهای مختلف تبدیل شد.

پرونده‌ی این دوره‌ی راهنمای جهانی فیلم را دبوریا یانک نوشت و موفقیت‌های چند سال اخیر فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های مختلف جهان، ناشر و ویراستار این سالنامه را ترغیب کرد که یکی از پرونده‌های سالانه‌ی خود را به سینمای امروز ایران اختصاص

در سالن قدس هتل آزادی برگزار کرد. هدف این هم‌اندیشی ارایه‌ی ارزش‌های واقعی زنان در رسانه‌های گروهی و تبادل‌نظر بین متخصصان امور سینمایی و معرفی الگوهای گوناگون تصویر زنان در عرصه‌ی هنری بود. در این همایش حدود بیست زن فیلم‌ساز، مستقد، خبرنگار و دست‌اندرکار سینما از کشورهای بوسنی، فرانسه، کانادا، انگلستان، مراکش، مصر، اسپانیا، ایتالیا، لبنان، ویتنام، آلمان، سودان، تونس، سنگال و هند شرکت داشتند و به ارایه‌ی مقاله‌های گوناگون درباره‌ی زن و نقش او در سینما و اجتماع پرداختند.

● نخستین بار یک ویدیو کلیپ ایرانی در سال ۱۳۷۶ ش. (۱۹۹۵ م.) دیپلم افتخار و جایزه‌ی خرس نقره‌ای جشنواره‌ی جهانی فیلم‌های کوتاه اتریش (جشنواره‌ی ملل) را دریافت کرد. ویدیو کلیپ روپای زمین ساخته‌ی فرشاد فرشته حکمت از میان ۴۹۸ فیلم، برای بخش مسابقه پذیرفته شده بود. این اثر که از تولیدات سال ۱۳۷۵ معاونت سینماست، در چهارمین جشنواره‌ی سوره نیز در بخش ویدیو کلیپ به دریافت جایزه‌ی اول جشنواره، غزال زرین، لوح افتخار و پنج سکه‌ی بهار آزادی، نایل آمده بود. روپای زمین نخستین تجربه‌ی سازنده‌اش در زمینه‌ی کلیپ است.

● نخستین تجربه‌ی ساخت فیلم‌های سه بعدی، در قالب چهارفیلم ویدیویی به نام‌های برف، جنگل، بازار تهران، میدان آزادی در سال ۱۳۷۶ به ثمر رسید و در پانزدهمین جشنواره‌ی سراسری و سومین جشنواره‌ی بین‌المللی سینمای جوان، به وسیله‌ی ویدیو پروجکشن به نمایش درآمد و تماشاگران با استفاده از عینک‌های مخصوص به تماشای آن‌ها نشستند. سازنده‌ی فیلم‌ها، فرامرز قهرمانی فر است که پیش از این چند فیلم کوتاه انیمیشن ساخته بود. او که فارغ‌التحصیل گرافیک از هنرستان هنرهای تجسمی است، در مورد تجربه‌هایش می‌گوید:

علاقه‌ام به تصاویر سه‌بعدی باعث شد در ابتدا عکاسی استریوسکوپیک (سه‌بعدی) را تجربه کنم که پایه و اساس فیلم‌های سه‌بعدی است. با تجربه در این کار با یک دوربین هشت میلی‌متری دست به چند آزمایش زدم. هم‌چنین برای عکس‌برداری و فیلم‌برداری سه‌بعدی وسیله‌ای را که در کشور ما نیست ساختم که نامش Franka Beam Splitter است. قهرمانی فر با حمایت انجمن سینمای جوان، تجربه‌هایش را به

● نخستین جشنواره‌ی ویدیویی سوره، به صورت گسترده و فراگیر با مشارکت شهرداری اصفهان و حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی از سوم تا ششم دی‌ماه ۱۳۷۲، در اصفهان برگزار شد. این جشنواره در راستای اهداف و سیاست‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران طراحی شده بود و اهداف کلی زیر را دنبال می‌کرد:

الف. تبیین جایگاه ویدیو به عنوان یک رسانه در کشور و استفاده‌ی بهینه از این رسانه در زمینه‌های گوناگون فرهنگی و آموزشی.
ب. ارتقای کمی و کیفی تولیدات ویدیویی در داخل کشور.
پ. شناسایی و تشویق هنرمندان، به‌ویژه استعداد‌های جوان، برای تولید آثار ویدیویی مبتنی بر ارزش‌های مورد قبول فرهنگ اسلامی.
نخستین دوره‌ی جشنواره در سه بخش؛ مسابقه‌ی اصلی، مسابقه‌ی بخش جوان، نگاهی به ویدیو در جهان، برگزار شد.

● نخستین پوستر تبلیغاتی به صورت تابلوی آگهی برای فیلم ره پای گورگ، ساخته شد. تصویر بزرگ تبلیغاتی این فیلم از هفدهم شهریورماه سال ۱۳۷۳ بر روی یکی از تابلوهای ۶×۸ متر بزرگراه رسالت نصب شد، اما پس از دو روز، به دستور وزارت ارشاد برداشته شد و با حذف تصویر کارگردان فیلم (مسعود کیمیایی) بار دیگر در همان محل قرار گرفت. لازم به یادآوری است که هم‌زمان با نصب این پوستر نمونه‌ی مشابهی نیز برای فیلم روز فرشته در اندازه‌ی ۲×۲ طراحی و نصب شد که طراح گرافیکی هر دو حمید کربلی، و اجرای طرح بر عهده‌ی شرکت کاری بود.

● نخستین ویدیو کلیپ ایرانی را در سال ۱۳۷۳ کارگاه گسترش هنر ساخت. محصول این کارگاه، چهار ویدیو کلیپ بود که نخستین آن؛ تصنیف بواهو بی‌قواره با صدای استاد شجریان و به کارگردانی شاهرخ دولکو در دهه‌ی فجر از تلویزیون پخش شد. سه ویدیو کلیپ دیگر را مسعود آب‌پور، رامین حیدری فاروقی و شاهرخ دولکو ساخته‌اند.

● نخستین هم‌اندیشی بین‌المللی حضور زن در سینمای معاصر را انجمن همبستگی زنان با همکاری حوزه‌ی هنری، بنیاد فارابی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ششم تا هشتم اسفندماه ۱۳۷۵

مرحله‌ی اجرا گذاشت اما حاصل کارش هم چنان در مرحله‌ی تجربه باقی ماند و هیچ مرجعی آن را جدی نگرفت!

● نخستین بار از ۲۵ آذرماه سال ۱۳۷۶، پخش برنامه‌های شبکه‌ی جهانی جام جم از طریق Eutel sat و با استفاده از ماهواره‌ی Hot Bird 3 آغاز شد. برنامه‌های این شبکه در آغاز کار برای اروپا، شمال، افریقا، خاورمیانه، آسیای میانه، حوزه‌ی غرب ایران، خلیج فارس و ... قابل دریافت بود، پخش آزمایشی برنامه‌ی شبکه‌ی جهانی جام جم در چند ایالت آمریکا از جمله نیویورک، واشنگتن و کالیفرنیا از اوایل سال ۱۳۷۸ نیز آغاز به کار کرد.

روزانه ساعتی از وقت آنتن شبکه‌ی جام جم در اختیار شبکه‌ی سحر قرار می‌گرفت که خود شاخه‌ای از واحد پرونمرزی صدا و سیماست و از سال ۱۳۶۲ با عنوان سیما‌ی پرونمرزی به زبان عربی کارش را آغاز کرد و به تدریج توسعه یافت.

این شبکه بخشی از برنامه‌هایش را به شیوه‌ی اکسپرس (زمینی) و برخی دیگر را از طریق ماهواره اینتل ست، روی آنتن می‌فرستاد. در مورد برخی دیگر از آن‌ها به هر سه روش عمل می‌کرد.

انگیزه‌ی اصلی ایجاد شبکه‌ی ماهواره‌ای جام جم، اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی ایرانی و حفظ زبان فارسی و ارتباط با ایرانیان مقیم خارج عنوان شده است.

● نخستین بار انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران، سمیناری تحت عنوان «سینمای ایران و مخاطبان آن» تدارک دید.

این سمینار از بیست و پنجم تا بیست و هشتم آذرماه ۱۳۷۷ در تالار اجتماعات خانه‌ی سینما برگزار شد و هدف آن بررسی موقعیت کنونی سینمای ایران، میزان ارتباط آن با مخاطبان و آرایه‌ی راه‌حل‌های جدید برای بهبود وضع موجود بود و طی چهار روز، سخنرانان و شرکت‌کنندگان، موضوع‌های متنوع و مختلفی را ارزیابی و بحث و تحلیل کردند.

در طی روزهای برگزاری سمینار، علاوه بر نمایش صحنه‌هایی از آثار پرمخاطب سینمای ایران، میزگردی نیز با حضور یکی از اصناف سینمایی انجام می‌شد.

● نخستین فیلمی که با تصویربرداری به شیوه‌ی فرانت پروجکشن ساخته شد، اسکاگران عشق (سعید حاجی میری، ۱۳۷۷) است. البته پیش از این، در فیلم‌های توهم (سعید حاجی میری، ۱۳۶۴) و پایان

کودکی (کمال تبریزی، ۱۳۷۲) نیز فرانت پروجکشن به صورت تصویر ثابت (اسلاید) به کار رفته بود. اما اسکاگران عشق، نخستین بار به طرز گسترده‌ای از جاذبه‌های این تکنیک با تصاویر متحرک بهره می‌گرفت. حاجی میری درباره‌ی چند و چون به سامان رسیدن کارش می‌گوید:

قبل از این‌که برای تولید فیلم اسکاگران عشق، اقدامی بکنم، رفتم به سراغ فرانت پروجکشن، آدم‌های این کار را پیدا کردم. ابتدا مقدمات و مطالعات لازم به عمل آمد که خیلی هم در این راه زمین خوردیم و خیلی جاها دماغمان سوخت و ناامید شدیم دنده عقب برگشتیم و دوباره از اول شروع کردیم و هنوز به نتیجه‌ی نهایی نرسیده بودیم که فیلم‌برداری آغاز شد. مجبور بودیم دست به کار شویم چون فصل را از دست می‌دادیم... سه چهارماه فیلم‌برداری پس‌زمینه‌ها و صحنه‌های عادی طول کشید. اما هنوز نتوانسته بودیم با فرانت پروجکشن حتی یک نمای قابل قبول ایجاد کنیم. مدتی کار به وقفه افتاد و سرانجام مشکلات دست و پاگیر حل شد و فیلم‌برداری ادامه یافت و به پایان رسید که حاصل کار حدود سیصد نمای دکوپاژی به دست می‌داد و این نماها در مرحله‌ی تدوین به حدود ششصد نما تقطیع شد و در واقع بیست درصد تصاویر اسکاگران عشق را فرانت پروجکشن خالص تشکیل می‌دهد.

استفاده از تکنیک فرانت پروجکشن، علاوه بر این‌که نجوم صحنه‌های خارق‌العاده را بر پرده‌ی سینما ممکن می‌سازد. در کاهش هزینه‌ی تولید فیلم نیز نقش مؤثری دارد.

● نخستین بار در بیست و چهارم بهمن‌ماه ۱۳۷۷، دو گروه از سینماگران ایران و آمریکا به مدت حدود دو ساعت، از طریق ماهواره با هم گفت‌وگو کردند که هم‌زمان روی شبکه‌ی اینترنت رفت. این برنامه را شرکت رسانه‌ی تصویری اینترنتیوز ترتیب داده بود و در آن، داریوش مهرجویی، نیکی کریمی، بهروز افخمی و علیرضا داودنژاد از ایران با جیم جارموش، نانسی ساداکا، اندرو ساریس، ریچارد پنیا و ارینگتن هادلین از آمریکا به گفت‌وگو پرداختند. محل ارتباط طرف ایرانی سازمان میراث فرهنگی و طرف آمریکایی دانشگاه نیویورک بود.

● نخستین بار در تاریخ سینمای ایران، فیلم بچه‌های آسمان، اثر مجید مجیدی نامزد دریافت جایزه اسکار ۱۹۹۹ شد. این فیلم به



۱۱۷۸ در ادارهی دل تولید و پشتیبانی معاونت سینمایی راه‌اندازی شد. این دستگاه که آخرین تکنولوژی زیرنویس فیلم در جهان است، به جای سیستمی قرار گرفت که بیش از یک دهه در ایران از آن استفاده می‌شد. در سیستم پیشین چندین ماده‌ی شیمیایی به کار می‌رفت که امروزه به دلیل ممنوعیت از سوی مجامع بین‌المللی می‌بایست روش دیگری جای آن را می‌گرفت. سیستم لیزری به لحاظ فضای مورد نیاز، اصلاً با دستگاه قبلی قابل مقایسه نیست و علاوه بر توانایی‌های نرم‌افزاری، ناخالصی و آلودگی سیستم قبلی را ندارد و در مرحله‌ی نقطه‌گذاری (spotting) با استفاده از یک فرم نرم‌افزار می‌توان صدای فیلم را شنید و دیالوگ‌ها را به صورت مناسب تقطیع و جمله‌بندی کرد: کاری که پیش از این به صورت دستی و مکانیکی انجام می‌شد.

نخستین فیلمی که با این روش زیرنویس انگلیسی شد، فیلم هیوا (رسول ملاقلی‌پور) است.

زیرنویس کردن لیزری یک فیلم سینمایی، دو تا سه روز طول می‌کشد در حالی که با سیستم قبلی حدود هشت روز وقت می‌برد. برای خریداری این دستگاه از حدود چهارسال پیش در معاونت

عنوان بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان، در رقابتی فشرده با خیل فیلم‌های مطرح کشورهای مختلف دنیا به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی امریکا راه یافت و توانست نام خود و ایران را در تاریخچه‌ی این جایزه‌ی پرسروصدا ثبت کند.

زندگی زیباست از ایتالیا، تانگو از آرژانتین، پربزرگ از اسپانیا و ایستگاه مرکزی از برزیل دیگر نامزدهای دریافت اسکار بهترین فیلم خارجی بودند. در این رقابت زندگی زیباست ساخته‌ی روبرتو بنینی جایزه اسکار را ربود.

شرکت فیلم‌های ایرانی در رقابت اسکار سابقه‌ای چند ساله دارد. نخستین بار در سال ۱۳۷۳، فیلم زیر درختان زیتون به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی معرفی شد که در میان پنج کاندیدای نهایی جای نیافت. در سال ۱۳۷۴، باهکنک سفید برای شرکت در مراسم اسکار انتخاب شد که به دلیل تصویب قانونی علیه ایران در مجلس نمایندگان امریکا، مسؤولان وقت کشور حضور در این مراسم را تحریم کردند و این تحریم تا سال بعد ادامه یافت. در سال ۱۳۷۶، نیز گبه معرفی شد که موقعیتی به دست نیاورد.

● نخستین دستگاه زیرنویس لیزری، در بیست و سوم آذرماه

سینمایی وزارت ارشاد اقداماتی به عمل آمد و سرانجام اواخر سال ۱۳۷۷ از هلند وارد شد. هزینه خرید دستگاه ۴۵۰ هزار دلار است.

● نخستین بار در سال ۱۳۷۸، تماشای یک فیلم ایرانی یعنی مصائب شیرین (علیرضا داوودنژاد) برای افراد کمتر از هجده سال ممنوع اعلام شد. اما از آنجا که این ممنوعیت برای فیلم عامل تبلیغ بود و نوجوانان کنجکاو را به تماشای آن ترغیب می‌کرد، سرانجام مسؤولان ممیزی رضایت دادند تا تماشاگران زیر هجده سال همراه والدینشان به دیدار مصائب شیرین بروند.

لازم به یادآوری است که چند سال پیش فیلم مشق شب ساخته‌ی عباس کیارستمی به دلیل مخالفت وزارت آموزش و پرورش یکی دو سال از نمایش عمومی بازماند و سرانجام در حالی به نمایش گذاشته شد که کارگردانش توصیه کرده بود. افراد کمتر از چهارده سال به تماشای آن نروند.

طرح ممنوعیت تماشای فیلم برای افراد کمتر از هجده سال نخستین بار در آیین‌نامه‌ی نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید مصوب مردادماه ۱۳۴۵، پیش‌بینی شده بود. بر اساس مواد ۲۵ و ۲۶ آیین‌نامه‌ی مذکوره، نمایندگان انجمن‌های خانه و مدرسه که از طرف وزارت آموزش و پرورش معرفی می‌شدند، نسبت به نمایش فیلم‌هایی که برای دختران و پسران کمتر از هجده سال باید ممنوع شود، تصمیم مقتضی اتخاذ و نظر خود را به اداره‌ی کل نظارت و نمایش اعلام می‌داشتند. در مواردی که تماشای فیلم برای دختران و پسران کمتر از هجده سال ممنوع می‌شد، باید در متن پروانه‌ی نمایش و آگهی‌های تبلیغاتی در سینماها و تلویزیون و جراید قید شده و صاحب فیلم و سینمای نمایش دهنده موظف بودند این جمله را که ورود برای افراد کمتر از هجده سال ممنوع است در کلیه‌ی آگهی‌های مربوط به فیلم در روزنامه‌ها، مجله‌های هفتگی و تلویزیون و آگهی‌های دستی و دیواری و غیره قید کنند و نیز در جنب در ورودی سینما که کاملاً برابر چشم شهود باشد با خط درست روی تابلویی بنویسند و نصب کنند و از ورود این قبیل تماشاگران به سالن اکیداً جلوگیری کنند.

سال‌های پیش از انقلاب مواد مذکور در آیین‌نامه یاد شده، برای فیلم‌های ایرانی کاربرد چندانی نداشت و بیشتر شامل فیلم‌های خارجی می‌شد که گاه در جریحه‌دار کردن عفت عمومی سنگ تمام می‌گذاشتند.

● نخستین بار در سال ۱۳۷۸ دو سینما (استقلال و فرهنگ) به سیستم صدای دالبی (S.R.) مجهز شدند و در هجدهمین جشنواره‌ی فیلم فجر آن را به کار بردند.

سیستم دالبی یک سیستم جهانی، متعلق به کمپانی دالبی، برای صدای سینماهاست. مدیر این کمپانی آقای دالبی، اهل انگلستان است و کمپانی‌اش در سراسر جهان، نمایندگی دارد که نصب و راه‌اندازی سیستم دالبی در انحصارشان است. در حال حاضر بیش از هشتاد درصد سینماهای اروپا به این سیستم مجهز هستند.

لازم به یادآوری است که در سال‌های پیش از انقلاب برخی سینماهای تهران، از جمله، دیاموند و ریولی... به سیستم استریو فونیک شش باندهی مجهز بودند، اما در سال‌های پس از انقلاب به دلایلی بی‌حاصل ماندند.

● نخستین تجربه در زمینه‌ی صداگذاری به شیوه‌ی دالبی با فیلم **متولد ماه مهر** (احمدرضا درویش، ۱۳۷۹) به مرحله‌ی اجرا درآمد. این فیلم که محصول سازمان توسعه‌ی سینمایی سوره و مؤسسه‌ی فرهنگ تماشاست بنا به گفته‌ی سازندگان «طی ماه‌ها فعالیت تخصصی کارشناسان امور صدا در کشورمان بر روی باندهای مختلف صدای فیلم برای میکس نهایی و تأیید استاندارد جهانی سیستم دالبی به فرانسه فرستاده شد و تطبیق باندهای صدا، افکت‌های صوتی و موسیقی فیلم با استاندارد پیشرفته‌ی صدای دالبی سرانجام در یکی از استودیوهای فنی این کشور با موفقیت به پایان رسید.»

هتایع:

۱. تاریخ سینمای ایران، جمال امید.
۲. مجله‌ی فیلم و هنر، شماره‌های ۸۸-۱۱۲-۱۱۷-۱۲۴-۱۶۴-۲۰۰-۲۰۹-۳۳۲-۳۵۱.
۳. مجله‌ی ستاره‌ی سینما، شماره‌های ۱۸۴-۲۴۰-۲۹۱.
۴. سینما ۵، شماره‌ی ۲۴.
۵. ماهنامه‌ی فیلم، شماره‌های ۲۷-۴۲-۶۷-۶۸-۷۷-۷۹-۸۸-۹۳-۱۰۲-۱۲۳-۱۴۳-۱۴۵-۱۶۴.
۶. کتاب سال سینمای ایران، شماره‌های ۱۵۴-۱۷۱.
۷. ساموئل خاچیکیان یک گفت‌وگو، غلام حیدری.
۸. یک اتفاق ساده، احمد طالبی‌نژاد.